

# کارگر کمونیست ۱۰۶

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar\_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



## نیروهای سرکوب از مراکز کار باید اخراج شوند

گفتگوی شهلا دانشفر با اصغر کریمی در کانال جدید

شما در این اوضاع و احوال، در این روزهای انقلاب و در شرایطی که مبارزه کل جامعه را گرفته است، جایگاه این تاکید و اطلاعیه ای که حزب داده است چیست؟

اصغر کریمی: روشن است نیروهای سرکوب رژیم در همه جا حضور دارند. دانشجویان خواهان اخراج حراست و انحلال کمیته های انضباطی هستند. معلمان همینطور. باید نیروهای سرکوبگر از همه جا دستشان کوتاه شود و اخراج شوند. اما میخواستم قبلا از هر چیز در مورد این صحبت کنیم که به نظر

شهلا دانشفر: اصغر کریمی حزب کمونیست کارگری ایران اطلاعیه ای داده است که کلیه نیروهای سرکوبگر رژیم باید از کارخانجات و مراکز کار اخراج شوند. اینجا ما داریم در مورد جنبش کارگری صحبت میکنیم. ولی یکی مساله ای عمومی است. برای اینکه نیروهای

شهلا دانشفر: اصغر کریمی حزب کمونیست کارگری ایران اطلاعیه ای داده است که کلیه نیروهای سرکوبگر رژیم باید از کارخانجات و مراکز کار اخراج شوند. اینجا ما داریم در مورد جنبش کارگری صحبت میکنیم. ولی یکی مساله ای عمومی است. برای اینکه نیروهای

صفحه ۴



## جنبش "آبی ها" با جنبش سرخ پیوند عمیق دارد

ناصر اصغری  
سفید. گرچه در فرهنگ رایج سیاسی، یقه آبی و یقه سفید این چنین دسته بندی نمی شوند، اما همینکه ایشان کارگران را بدست در مقابل رژیم و عواملش در محیط

صفحه ۷

غیره هشدار می دهد. نویسنده مطلب فوق که به نظر می آید از طرفداران بخش "سبز" حکومت باشد، هشدار می دهد که بجای سرکوب خودی ها، به فکر مقابله با "آبی ها" باشند. ایشان کارگران را یقه آبی (کارگران، معلمان، پرستاران و غیره) می نامد و در مقابل آن، سرمایه داران و کارفرمایان در همدستی با مقامات دولتی را یقه

سایت اینترنتی "جهان نیوز" روز ۳۱ مرداد ماه مطلبی از قلم محسن مهدیان تحت عنوان "جنبش آبی ها در حال پیوند به آشوب سبز" دارد که از هر جهت خواندنی است. نسبت به وضعیت آشفته اقتصادی رژیم، عدم سرمایه گذاری سرمایه داران خارجی، بیکاری، فقر و نداری بخش اعظم جامعه و افزوده شدن بر تعداد این بخش؛ روند شدن اعتراض کارگران و

## حضور خود را باور کنیم

گویا همه منتظر بودند کارگران در خیابان باشند و لاید پارچه نوشته ای هم داشته باشند که ما کارگریم و از فلان کارخانه. یکی نیست پیرسد شما که تشخیص دادید اینها جوانان طبقه متوسط بودند مگر پارچه نوشته بدست گرفتند که ما کارگر خیابانها بالای شهر جولان میداند.

صفحه ۹

جنبش انقلابی در ایران بودیم که جهان را تکان داد بهانه جویان و شکست طلبان و بورژوازی ذره بین بدست گرفتند و "کارگر" تو خیابان ندیدند و یا جای اعتصاب کارگری مشاهده نکردند و هر چه دیدند " جوانان طبقه متوسط" بودند که در خیابانها بالای شهر جولان میداند.

یاشار سهندی  
همه اش تقصیر مارکس است. یک وظیفه ای را بر دوش طبقه کارگر گذاشت و از همان موقع گویا ما همیشه به جایی یا کسی بدهکار شدیم! چه میروند و راست میروند میگویند پس کو طبقه کارگر؟! در دو ماه گذشته که ما شاهد اعتلا



## جایگاه و نقش کارگران در جنبش جاری

سوالی از حمید تقوایی در تلویزیون کانال جدید

دراند مبارزه میکنند. اما در مورد شرکت کارگر به عنوان یک طبقه باید گفت اصلا این انقلاب، انقلاب اوست. چون طبقه کارگر بوده است - نه تاریخا و علی العموم بلکه مشخصا در این شرایط سیاسی - که از زبان این حزب یعنی حزب خودش گفته است مردم تنها راه انقلاب است. گفته مردم تنها راه برای آزادی و رهایی سرنگویی کل این حکومت است. گفته مردم مجازات اعدام نباید باشد. زن و مرد باید کاملا مساوی باشند. مذهب در حکومت نباید باشد. گفته این جامعه میتواند با رفاهی مطابق با بالاترین استانداردها زندگی کند. گفته اینها، این مفتخوران و آیت الله های میلیاردی، باید بروند. گفته دوم خرداد جواب نیست. این رژیم اصلاح پذیر نیست. اینها را همه طبقه کارگر گفته است. منظورم

صفحه ۳

توضیح: آنچه در زیر میخوانید بخشی از یک مصاحبه مشروح تر است که کاظم نیکخواه در تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی انجام داده است. اینجا ما از این مصاحبه پاسخ به یک سوال را انتخاب کرده ایم که به نقش و جایگاه کارگران در جنبش انقلابی جاری مربوط میشود. کارگر کمونیست)

\*\*\*

کاظم نیکخواه: حمید تقوایی در ادامه بحثهایی که داشتیم من میخوام سوالی در مورد نقش و جایگاه کارگران در این انقلاب مطرح کنم. و سوالم بسادگی اینست در این انقلاب کارگران کجا هستند؟

حمید تقوایی: کارگران بعنوان آحاد کارگر در خیابانها هستند مثل باقی مردم. هر شهری که شلوغ است کارگران هم هستند و

## کلیه نیروهای سرکوبگر رژیم باید از کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراج شوند

صفحه ۳- اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

## اخبار اعتراضات کارگری در ایران

صفحات ۱۸-۱۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در سازمان جهانی کار دست به یک اقدام بزرگ و تاریخی زدند



انگلیسی صحبت میکردند، به زبان فرانسوی شعار میداد: مرگ بر جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود و پیمان نجفی یکی دیگر از فعالین حزب در مقابل در ورودی کنفرانس اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری را در میان هیئت هائی که وارد سالن میشدند توزیع میکرد.

فعالین حزب با این اقدام خود یکبار دیگر در یک کنفرانس جهانی، نشان دادند که این حزب نماینده واقعی کارگران و مردم ایران است. در هر کنفرانسی که نمایندگان جمهوری اسلامی حاضر باشند فعالین حزب هم حاضر خواهند شد تا کنفرانس را به صحنه افشای جنایات این رژیم تبدیل کنند و به دنیا بگویند که این رژیم چه بر سر مردم ایران میآورد. لازم به یادآوری است که این چندمین بار است که نمایندگان حزب در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار دست به افشای جمهوری اسلامی میزنند.

لازم به توضیح است که از ساعت ۱۲ امروز تظاهرات بزرگی نیز در مقابل سالن کنفرانس سازماندهی شده است که متعاقباً گزارش آنرا به اطلاع خواهیم رساند. فیلم های مربوط به فعالیت حزب نیز بزودی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ جون ۲۰۰۹، ۱۳ خرداد ۱۳۸۸

بهارى، تیم اعزامی تلویزیون کانال جدید فیلمبرداری گردید.

فعالین حزب عکس هائی از فرزاد کمانگر، جعفر عظیم زاده، محمد اشرفی، شاهپور احسانی راد، سعید یوزی و منصور اسانلو در دست داشتند و سه دقیقه در شروع کنفرانس صحبت کردند. فرشاد حسینی و بهرام سروش اعلام کردند رژیمی که کارگران را شلاق میزند و دستگیر و زندانی میکند، جایش در سازمان جهانی کار نیست. اینها نماینده کارگران ایران نیستند اینها فقط و فقط نماینده رژیم هستند که بطور سیستماتیک حقوق کارگران را لگدمال میکند. این رژیم کارگر را بدلیل برگزاری اول مه، ایجاد یک تشکل یا اعتراض برای دستمزد شلاق میزند. این رژیم زن را سنگسار و کودک را اعدام میکند. فرشاد حسینی که در مقابل هیئت جمهوری اسلامی ایستاده بود با اشاره به آنها که سرشان را پائین انداخته بودند، گفت اینها همین دیروز تعدادی از اعضای خانواده های دستگیرشدگان اول مه را که دست به اعتراض زده بودند دستگیر کرده اند. و بهرام سروش از بالای سن در مقابل هیئت رئیسه گفت: این دستگیرشدگان اول مه هستند که باید در این کنفرانس کارگران ایران را نمایندگی میکردند ولی الان زیر شکنجه هستند. سازمانهای کارگری حاضر در سازمان جهانی کار نباید اجازه دهند اینها در کنفرانس شرکت کنند. یدی کوهی نیز همراه با بهرام سروش و فرشاد حسینی که به زبان

امروز ۳ جون (۱۳ خرداد) در لحظاتی که کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار مراسم افتتاحیه خود را شروع میکرد، سه نفر از فعالین حزب کمونیست کارگری در حالیکه تیم فیلمبرداری کانال جدید آنها را همراهی میکرد، دست به یک اقدام بزرگ و ماندنی در دفاع از کارگران و مردم ایران زدند. درست چند ثانیه پس از خوشامدگویی رئیس کنفرانس به میهمانان، فرشاد حسینی، بهرام سروش و یدی کوهی به طرف سن اصلی کنفرانس رفتند و در حالیکه پوسترهائی تعدادی از دستگیرشدگان اول مه را در دست داشتند، رو به حاضرین که حدود ۲۰۰۰ نفر بودند و در حالیکه هیئت جمهوری اسلامی را به حصار نشان میدادند، به دفاع از کارگران و زنان و مردم محروم ایران برخاستند، خطاب به نمایندگان سازمانهای کارگری حاضر صحبت کردند، شعار دادند، خواهان اخراج هیئت جمهوری اسلامی شدند و مورد تشویق گرم حاضرین و دست زدن های مکرر آنها قرار گرفتند. در واقع هیئت رئیسه کنفرانس را افتتاح کرد و با شروع صحبت فرشاد حسینی و بهرام سروش سکوت کرد و نمایندگان حزب عملاً سخنرانی افتتاحیه این کنفرانس را بعهده گرفتند تا به نمایندگی از کارگران و مردم ایران، کیفرخواست خود را علیه جمهوری اسلامی اعلام کنند. صحنه های باشکوه این اقدام تاریخی مستقیماً از طریق برنامه زنده کنفرانس پخش شد و توسط جمیل فرزاد و سیما



اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

## کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@googlemail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser\_asgary@yahoo.com

شها دانشفار

shahla\_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y\_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan\_salehi2001@yahoo.com

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر

مرکزی

حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

## جایگاه و نقش کارگران ...

از صفحه ۱

این نیست که با هر کارگری مصاحبه کنید اینها را میگوید. مساله از نظر سیاسی هیچ وقت به این تقلیل پیدا نمیکند. این افقی است که حزب کارگران، حزب کمونیست کارگری، در برابر جامعه قرار داده است. بگذارید يك مثالی بزنم. شما يك رادیویی را باز میکنید، یکنفر دارد صحبت میکند. اول برنامه را نشنیده اید و نمیدانید مال چه حزبی است ولی دارد سیاستش را توضیح میدهد. دارد میگوید: دمکراسی، باید رقابت کاملا باشد، بازار آزاد خیلی خوبست، ما بر شوروی پیروز شدیم و غیره. چه قضاوتی میکنید؟ مسلما خواهید گفت هر که هست، يك سیاستمدار و یا رهبر يك حزب بورژوا است که دارد صحبت میکند. نه میروید ببینید چند تا بورژوا این حرف را میزنند. نه میروید در خیابان و پرسید بورژواها شما این را میگویند؟ و نه میپرسید در آن حزب مربوطه چند تا بورژوا هست. مهم این است که این سیاستها، سیاستهای طبقه

بورژوائی بودن آن حزب چیزی کم نمیکند.

حزب ما به معنی عینی و واقعی مدتهاست که طبقه کارگر را در سیاست و امروز در دل انقلاب نمایندگی میکند. من فکر میکنم که این انقلاب در گرفت و به اینجا رسید چون طبقه کارگر با این حزبی در عرصه سیاست حضور داشت. اگر نبود به احتمال زیاد این اتفاق نمی افتاد و اگر هم می افتاد شورشی بود که بعد از یکماه تمامش میکردند. من میخواهم بگویم اگر می پرسید طبقه کارگر کو. میگویم در سیاست حضور دارد. مگر همین انقلاب را نمی بینید. سوال من اینست آیا تا قبل از ۲۲ خرداد اگر تلویزیون یا مطبوعات یا سایتهاى سلطنت طلبها را میدید کسی جز حمله به انقلاب و انقلابیون حرفی میزد؟ آیا دوم خردادها یا جمهوری خواهان و یا هر کس دیگری غیر حزب کمونیست کارگری ایران، خواهان و فراخوان دهنده انقلاب بودند؟ کسی اصلا حرفی از انقلاب نمیزد. این انقلاب از آسمان نازل نشد. بالاخره فضایی ساخته شد. گفتمانی در جامعه درگرفت. حزبی بود که

میگفت انقلاب انقلاب. بقول لنین قطره آبی که بر روی سنگ خارا می چکد بالاخره سوراخش میکند. حزبی بود که مدتها از انقلاب دفاع میکرد و به انقلاب فرامیخواند. وقتی که دیگران همه میگفتند کدام انقلاب؟ و پوزخند میزدند. آنکه در ایدئولوژی انقلاب محکوم بود و میگفت انقلاب خوشونت است تکلیفش روشن بود. اما آنهم که در تئوری انقلاب را قبول داشت میگفت ممکن نیست. حالا کو تا انقلاب. فقط حزب طبقه کارگر پرچم انقلاب را در نظر و عمل بدست داشت.

نفس شکل گرفتن این جنبش انقلابی یعنی حضور طبقه کارگر. کسی که انقلاب را ببیند و بپرسد طبقه کارگر کو به نظر من یا طبقه کارگر را تبدیل کرده است به آحاد کارگر، و یا جز مبارزه صنفی طبقه کارگر را نمی بیند.

اگر بگویید که بسیار خوب پس جنبش کارگری کجاست. چرا کارگران اعتصاب نمیکنند. این دیگر مساله ای است کاملا مشخص و تاکتیکی و کاملا بر میگرده به توازن قوا. این توازن

بحدی هست که جنبش توده ای و خیابانی میتواند شکل بگیرد ولی هنوز در آن سطح نیست که اعتصابات کارگری امکان پذیر باشد. این دومی بسیاری از فعالین و تشکلهای شناخته شده کارگری را به خطر خواهد انداخت در حالیکه در مورد جنبش خیابانی، که کارگران هم مثل شهروندان دیگر جامعه در آن شرکت دارند، چنین خطری وجود ندارد.

معمولا در انقلابات بعنوان يك قانون عمومی جامعه مدام رادیکال تر و از نظر طبقاتی قطبی تر میشود. و در این پروسه است که اعتصابات کارگری نیز شکل میگیرد. جنبش انقلابی در ایران هنوز از لحاظ طبقه بندی طبقاتی در آغاز راه است اما مهم اینست که همانطور که گفتیم از هم اکنون طبقه کارگر در عرصه سیاست حضور چشمگیری دارد. و این يك خود تضمین کننده نه تنها شکل گیری اعتصابات و اشکال مبارزاتی خاص طبقه کارگر بلکه مهمتر از آن تامین رهبری سیاسی طبقه کارگر بر کل جنبش انقلابی نیز هست.

## کلیه نیروهای سرکوبگر رژیم باید از کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراج شوند

خواست میتوانند حرکتی وسیع در مراکز مختلف سازمان دهند.

حزب کمونیست کارگری برپائی يك جنبش وسیع و سراسری برای کوتاه کردن دست ارگانهای سرکوب از تمامی محیطهای کار بمیدان بیایند. رهبران و فعالین جنبش کارگری نقش حیاتی و مهمی برای بسیج کارگران و سازمان دادن يك جنبش قدرتمند برای بیرون انداختن ارگانهای سرکوب از محیطهای کار و انحلال شوراهای اسلامی دارند و با تشکیل منظم مجامع عمومی، انتشار بیانیه های مختلف، سازماندهی اعتصابات و اشکال مختلف اعتراض برای بکرسی نشانند این خواست و جلب حمایت مردم و سازمانها و نهادهای مترقی در ایران و در سطح بین المللی از این

سازمان داد. حزب کمونیست کارگری به تمام کارگران کشور فراخوان میدهد که خود را آماده کنند و متحدانه برای کوتاه کردن دست ارگانهای سرکوب از تمامی محیطهای کار بمیدان بیایند.

رهبران و فعالین جنبش کارگری نقش حیاتی و مهمی برای بسیج کارگران و سازمان دادن يك جنبش قدرتمند برای بیرون انداختن ارگانهای سرکوب از محیطهای کار و انحلال شوراهای اسلامی دارند و با تشکیل منظم مجامع عمومی، انتشار بیانیه های مختلف، سازماندهی اعتصابات و اشکال مختلف اعتراض برای بکرسی نشانند این خواست و جلب حمایت مردم و سازمانها و نهادهای مترقی در ایران و در سطح بین المللی از این

در تعرض به حکومت و يك اقدام موثر و دخالتگرانه در اوضاع سیاسی کنونی و انقلاب جاری است.

در شرایط کنونی امکان موفقیت کارگران برای بیرون انداختن نیروی سرکوب از محیط کار از هر زمان بیشتر است. جنبش کارگری متعین تر از دیگر جنبشهای اعتراضی است، اشکالی از تشکلهای کارگری و طیفی از رهبران کارگری در سطح اجتماعی قدم به پیش گذاشته اند و امکان حمایت عملی مردم از این مبارزات بیش از هر زمان فراهم است.

در این شرایط میتوان و باید يك حرکت سراسری برای بیرون انداختن نیروهای سرکوب از محیطهای کار

تشدید استعمار و تحمیل بیحقوقی مطلق به کارگران و برای جلوگیری از اعمال اراده و قدرت کارگران به نیروی سرکوبش اتکا کرده است. شورای اسلامی و حراست و بسیج و غیره را به کارخانجات و محیطهای کار آوردند و علیه کارگران بکار گرفتند. تمام فلاکت و بیحقوقی و تعرضی که جمهوری اسلامی در اشکال گوناگون علیه کارگران سازمان داده است بدون چنین نیروی سرکوبی در محیطهای کار نمیتوانست عملی شود. دست نیروهای سرکوب رژیم از حراست و بسیج تا سپاه و غیره باید از محیطهای کار کوتاه شود و ارگانهای ضد کارگری شورای اسلامی باید تماما منحل شوند. این يك گام مهم

انقلاب جاری علیه جمهوری اسلامی که میلیونها نفر را بخیابانها آورد شیپور پایان حاکمیت جنایتکاران حکومت اسلامی را بصدا درآورده است. این اوضاع شرایط مناسبی برای طبقه کارگر بوجود آورده است که يك حرکت سراسری و قدرتمند علیه جمهوری اسلامی را سازمان دهد.

طبقه کارگر نیز نه تنها مانند اکثریت عظیم مردم ایران به جمهوری اسلامی و هیچ جناح آن توهمی ندارد، بلکه از مبارزه علیه بیحقوقی و برای خواستها و مطالبات برحق خود يك دم باز نایستاده است. بهمین دلیل رژیم اسلامی در طول حاکمیت خود برای پیشبرد اهدافش، برای

## به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ مرداد ۱۳۸۸ - ۲ آذر ۲۰۰۹

## نیروهای سرکوب از مراکز کار... از صفحه ۱

سرکوب، حراست و بسیج و کمیته های انضباطی را سازمان داده اند که جلوی اعتراض مردم را بگیرند. در طول سالیان دراز این کار را کرده اند. در کارخانجات نیروهای حراست را گذاشته اند که جاسوسی کنند، رهبران کارگری را شناسایی کنند و احضار کنند. لو بدهند. کارگران را تهدید کنند و هر جا هم که لازم است بریزند و مبارزه کارگران را سرکوب کنند. و به کمک همین نیروها توانسته اند این درجه از فقر و دستمزد پایین و این درجه از محرومیت را بر طبقه کارگر تحمیل کنند. یعنی کل زندانها کافی نبوده، وزارت اطلاعاتشان کافی نبوده، سپاه پاسدار و نیروهای انتظامی و دادگاهها و زندانها برای سرکوب کارگر و معلم کافی نبوده. در خود کارخانجات هم این نیروی سرکوب را سازمان دادند. دیدند که کارگر بالاخره در محیط کار اعتصاب میکند. توی دانشگاه دانشجو اعتراض میکنند. در ادارت اگر نیروی سرکوب نباشد کارمندان به اشکال مختلف اعتراض میکنند. در نتیجه علاوه بر محیط زندگی در محیط کار هم نیروهای سرکوب را مستقر کردند اعتراضات را در همان محل کار خفه کنند و قوانین خود را تحمیل کنند. در مقابل سالیان سال است که دانشجویان، کارگران و بخش های مختلف مردم خواهان اخراج این نیروها هستند و میگویند ما حق داریم اعتراضمان را بکنیم. چرا اینها در مراکز کار و در دانشگاهها مستقر هستند. چرا صبح تا شب دخالت میکنند، جاسوسی میکنند. در نتیجه این يك خواست عمومی است.

منتها در شرایط کنونی این خواست و این مبارزه اهمیت و جایگاه دیگری پیدا میکند. مردم امروز در خیابان مرگ بر دیکتاتور میگویند. دیکتاتور در کارخانه از طریق حراست و بسیج و سایر نیروهای جمهوری اسلامی اعمال

خواستهای کارگران بوده است. چرا که با استقرار حراست در کارخانه به گفته خود کارگران آنجا را به يك پادگان تبدیل کرده اند. مثلا وقتی چند ماه پیش کارگران اعتصاب داشتند نیروی حراست مثل مور و ملخ ریختند به بخش های مختلف کارخانه حتی لباس کار کارگران را پوشیدند که قاطی کارگران بشوند و شروع کردند به سرکوب کارگران. کارگران با گوشت و پوست نقش حراست را تجربه کرده اند. حراست مستقیم به نیروی انتظامی وصل است و به محض اینکه کارگران اعتراض میکنند فوراً گوشی را بر میدارند و پای نیروی انتظامی و پلیس را به کارخانه باز میکنند. مثل اتفاقی که در کارخانه کیان تایر شاهدش بودیم. اگر خاطرتان باشد سال گذشته بود که وقتی کارگران اعتصاب کردند. حراست نیروی انتظامی را خبر کرد و نیروی انتظامی از در و پنجره به کارخانه حمله کردند و کارخانه را اشغال کردند و هزار کارگر را دستگیر کردند و تعدادی از کارگران هم از طریق فاضلاب از کارخانه خارج شدند. یعنی حراست کارش این است که جدا از اینکه کارگران معترض را شناسایی میکند، فوراً گوشی را بر میدارد و نیروی انتظامی و یگان ویژه را برای سرکوب کارگران خبر میکند. یعنی ابزار مستقیم سرکوب در کارخانه هستند. حال شوراها ی اسلامی هم که جایگاه خود را دارند. باز در همین کیان تایر بود که کارگران وقتی مجمع عمومی خود را تشکیل دادند و ۲۷ نماینده خود را انتخاب کردند، در حرکت اعتراضی شان خواهان تحویل دفتر شوراها ی اسلامی به نمایندگان منتخب خود کارگران شدند. و نمونه دیگر در نیشکر هفت تپه بود که کارگران در حرکتی اعتراضی پشت درب اطاق حراست جمع شدند و زیواری رییس حراست را از کارخانه بیرون انداختند و سندیکای خود را تشکیل دادند و نمونه اخیرش همین اعتراض کارگران واگن پارس اراک بود که در آن به محض اینکه

کارگران دست به اعتصاب زدند فوراً از طرف حراست تهدید شدند.

اصغر کریمی: ببینید اولین سوال این است که واقعا چرا اینهمه نیروی سرکوب در کارخانه و دانشگاه باید باشد. دانشگاه چه احتیاجی به حراست و بسیج دانشجوایی دارد! دانشجو مگر چه میکند! دانشجو درسش را میخواند. حشش را ضایع میکنید و اعتراض میکند. چرا باید کمیته های انضباطی و حراست در دانشگاه مستقر باشد؟ یا در کارخانه بسیج و حراست چه میکند؟ یا مثلا شورای اسلامی دست ساز رژیم در کارخانه چه میکند؟ این ارگانهای سرکوب برای چیست؟ رژیم آمده در کارخانه شورای اسلامی را به اسم تشکل کارگری درست کرده و ار اسمش هم معلوم است که تشکلی دولتی است و کارگران هم خواهان انحلالش هستند و همواره تلاش کرده اند که تشکل خود را ایجاد کنند و هر جا توانسته اند مجمع عمومی خود را سازمان داده اند یا سندیکا درست کرده اند و نمایندگان خود را انتخاب کرده اند. در هفت تپه نیروی حراست چه میکند؟ اگر مساله دزدی است که کار این ارگانها نیست. تازه آنهم روسا و صاحبان این کارخانه هستند که دزدی میکنند نه کارگران. تمام فساد مالی مربوط به بالاترین مقامات دولت است که باید بروند توی بیت رهبری و کاخ ریاست جمهوری و پارلمان و مجلس شورای اسلامی و وزارتخانه ها جلوی دزدها را بگیرند. بنابراین گذاشتن این نیروهای سرکوب در کارخانجات برای چیست؟ جز اینکه میگوید ما نیروی بسیج و حراست را در کارخانجات میگذاریم تا توی کارگر اعتصاب نکنی! اگر گفتیم دستمزد ۲۲۰ هزار تومان در ماه، نتوانی نفس بکشی و حرف بزنی. و اگر اعتراض بکنی همین جا سرکوبت میکنیم. تو را لو میدهم و نیروی انتظامی را خبر میکنیم و غیره. یعنی رسماً دارند میگویند ما بساط سرکوب را آوردیم در کارخانه، در دانشگاه، تا نگذاریم شماها حرف

بزنید و اگر هم حرف زدید همین جا از درون کارخانه و دانشگاه میزنیم با باطوم میزنیم و سرکوب میکنیم و عقبتان میزنیم. بدانید ما هستیم و سرکوبتان میکنیم. کارگر و دانشجو و کارمندان ادارات هم میگویند این قبول نیست، این توهین است به ما. چرا نیروی سرکوبت را به اینجا آورده اید. چرا اینها را روی سر ما حاکم کرده اید. چرا اینها را بعنوان شمشیر بالای سر ما گذاشته اید. اینها را از کارخانه و از محیط ما بیرون ببرید. يك مشت مفتخور هستند. بخش زیادی از کارگر و مردم نان ندارند بخورند و آنوقت بخش قابل توجهی از امکانات جامعه را صرف نیروهای سرکوب و جنایت میکنند که تحت عناوین مختلف سازمان داده اند. همین نیروها هستند که يك سرشان در کارخانه و دانشگاه است و سر دیگرشان در خیابان مشغول باتوم زدن به مردم. بنابراین طبیعی است که کارگر هم همراه با بقیه مردم که در خیابان که میگویند مرگ بر لباس شخصی و بسیجی و مرگ بر دیکتاتور، کارگر هم در کارخانه بگوید باید بساط این نیروها در کارخانجات جمع شوند. اینها از جنس همان لباس شخصی ها هستند. بنابراین خواست همه مردم است که این ارگانهای سرکوب را باید بیرون انداخت.

شهلا دانشفر: نکته مهمی را اشاره کردید. بویژه در مراکز کارگری تصویر دیگر خیلی زمخت است. کارگر کار میکند. تولید میکند. نعمات جامعه را تولید میکند. آنوقت آنجا حراست و نیروی سرکوب را گذاشته اند برای اینکه دستمزد زیر خط فقر را به کارگر تحمیل کنند. برای اینکه تا اعتراض کرد اخراجش کنند، دستمزدش را ندهند و محیط کار را ناامن کنند و اینهم محیطهای کار است که ایجاد کرده اند. اما يك نکته دیگر اینکه اطلاعاتیه حزب میگوید در شرایط کنونی امکان موفقیت کارگران برای بیرون انداختن نیروهای سرکوبگر از

## نیروهای سرکوب از مراکز کار ... از صفحه ۴

مراکز کار از هر زمان بیشتر است. لطفاً این را کمی بیشتر توضیح دهید.

اصغر کریمی: به نظر من به چند دلیل میشود این را گفت. اول اینکه رژیم خیلی ضعیف تر شده است. مردم دارند انقلاب میکنند. طبیعی است که کارگر هم از این فرصت استفاده کند. معلم هم استفاده کند. دانشگاه هم که راه افتاد دانشجویان هم از این فرصت استفاده کنند و همگی بگویند این ارگانهای سرکوبستان، این ارگانهای دیکتاتوریتان را اینجا جمع کنید. رژیم ضعیف شده و امکان پیروزی مردم در این مبارزه بسیار بیشتر است. چون مردم را مثل گذشته نمیتوانند سرکوب کنند و عقب بزنند. روحیه مردم تعرضی تر است. مردم دست به اعتراض میلیونی زدند و اعتراضات به اشکال مختلف شکل میگیرد و در هر کوچه و خیابانی یکجور اعتراض هست. خیلی طبیعی است که کارگران نه تنها این خواست بلکه همه خواسته‌هایشان را در چنین شرایطی طرح کنند. کارگر خواهان افزایش دستمزد است. خواست بهبود محیط کار و پایان دادن به اخراج را دارد. خواهان بازگرداندن همکار اخراجی‌شان بر سر کار است. و یکی از خواسته‌های مهم کارگران هم همین اخراج نیروهای سرکوب است. این یکی از مهمترین خواسته‌های کارگران است برای اینکه تا موقعی که نیروی سرکوب هست کارگر برای سایر خواسته‌های خود نمیتواند به راحتی مبارزه کند یا متشکل شود. دوم اینکه مردم در سراسر کشور احساس هم‌سرنوشتی بیشتری با کارگری که میگوید حراست را جمع کنید دارند و بیشتر حرف کارگر را می‌فهمند. شش ماه پیش ممکن بود بگویند خوب خواست خود کارگران است. اگر چه قبلاً هم مردم نقش نیروهای

سرکوبگر در جامعه را میدیدند. ولی امروز شعاری که مردم دارند میدهند و میگویند مرگ بر دیکتاتور. یعنی کارگر میگوید در کارخانه با حراست و بسیج و نیروهای سرکوب‌گیشان دارند دیکتاتوری‌شان را اعمال میکنند. اینها هم باید جمع شوند. مردمی که در خیابانها می‌جنگند خیلی خوب خواست کارگری که میگوید نیروهای سرکوب باید از کارخانجات جمع شوند را میفهمد و آنرا بخشی از مبارزه خود تلقی میکنند. اگر کارگران محکم به میدان بیایند، بیانیه بدهند، خواستشان را مطرح کنند، بگویند این نیروهای سرکوب را ببندید بیرون، ما دیگر سرکوب را تحمل نمیکنیم. ما این فقر را تحمل نمیکنیم. می‌خواهیم اعتراض کنیم و دست نیروهای سرکوب باید کوتاه شود و دیگر اجازه نمیدهیم جلوی ما را بگیرند. باید بساطشان جمع شود. اینهمه بودجه مملکت را نباید در حلقوم اینها بریزید. همه مردم در کوچه و خیابان خواهند گفت زنده باد کارگران فلان کارخانه با این خواست‌ها. درکشان میکنند. یک نوع همسرنوشتی و همبستگی خیلی عملی و روزمره در این مبارزه شکل میگیرد. و اگر هر کارخانه‌ای بیایند بیانیه بدهند و دست به چنین اعتراضی بزنند، چند بار جلوی نیروهای سرکوب رژیم بایستند و یا اعتراضشان را به خیابان بکشند، مردم میپرسند چه خبر است و از کارگران حمایت میکنند و میگویند زنده باد شما کارگران. اینها همان لباس شخصی‌ها هستند که در خیابان هم دارند زور میگویند و جنایت میکنند. ما هم از مبارزات شما حمایت میکنیم و یک جنب و جوش اجتماعی و همگانی شکل میگیرد. به نظر من این امری صرفاً مربوط به کارگران در کارخانجات نیست. امری صرفاً مربوط به

دانشجویان در دانشگاه نیست. این اعتراض به درجه‌ای که در دانشگاه مطرح شود. کل جامعه از این خواست حمایت میکند. چون کارگر میتواند بگوید آن لباس شخصی را دیدی که دیروز باطوم به سر دختر و پسر تو زد او در کارخانه هر روز بالای سر من است. جلوی من را میگیرد و پدر مرا درآورده است تا این دستمزد چندرغاز را به من تحمیل کند. نقش اینهاست که این دستمزد را به ما تحمیل کرده اند. تقصیر اینهاست که من نتوانستم جلوی اخراج همکارانم را بگیرم. همین‌ها هستند که رهبرانم را لو دادند و بردند زندان و نتوانستم تشکیلاتم را درست کنم که متحد و یکپارچه مبارزه کنم. به نظر من مردم کاملاً این مبارزه را می‌فهمند و مساله این است که جنبش کارگری باید امروز باید با این روحیه توی میدان بیاید و مبارزه کند و جامعه می‌فهمد بیش از هر زمانی این مبارزات را می‌فهمد و با آن همبستگی میکند و در شرایطی هم که رژیم ضعیف شده و مردم روحیه مبارزاتی بهتری پیدا کرده اند و اصلاً اوضاع الان با دو ماه یا چهار ماه پیش قابل مقایسه نیست و طبیعی است که دست کارگر و معلم و دانشجو بازتر است برای اینکه مبارزه‌ای که برای اخراج نیروهای سرکوبگر داشته را به سرانجام برساند.

شهلا دانشفر: طبعاً اینجا فقط صحت از حراست نیست. شوراهای اسلامی و نقشی که آنها در سرکوب و شناسایی فعالین کارگری و در مهار کردن و منحرف کردن اعتراضات کارگری داشته اند، را همه ما دیده‌ایم. به همین دلیل نیز یک خواست کارگران همواره انحلال شوراهای اسلامی بوده است. نمونه کیان تاثیر را مثال زدیم که چگونه کارگران با تشکیل مجمع عمومی و انتخاب نمایندگانشان خواهان تخلیه اطاق شورای اسلامی و انحلال آنها

در کارخانه شدند. همینطور یک خواست کارگران این بود که شوراهای اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شوند و گفتند اینها نمایندگان ما کارگران نیستند. اینها سرکوبگران ما هستند. خوب روشن است که باید دست اینها همه از محیط‌های کار کوتاه شود. تحقق این امر چه جایگاهی در پیشروی جنبش کارگری دارد؟

اصغر کریمی: به نظر من یکی همین شوراهای اسلامی است که اشاره کردید. شوراهای اسلامی را جمهوری اسلامی با گذاشتن یکسری قوانین و فیلترهای اسلامی و غیره بپا کرده که به کارگر بگوید تشکیلات می‌خواهی؟ خوب شوراهای اسلامی هستند. و به این ترتیب مانع متشکل شدن کارگران شود. حال کارگر برای اینکه مثلاً سندیکای خود را تشکیل دهد اول باید بیاید ثابت کند که این نماینده من نیست. من این را نمی‌خواهم. باید منحل شود. اینها ارگانهای سرکوب و جاسوسی علیه من بوده اند. با اینکار اینها یک مانع بزرگی پیش پای کارگران گذاشته اند که کارگر حرف از تشکل نزند. خوب شورای اسلامی هم مانع کارگر است برای پیشبرد مبارزاتش، برای درست کردن تشکلش. اگر این مانع نباشد کارگر خیلی راحت تر میتواند تشکیلاتش را درست کند. بنابراین بحث فقط بر سر حراست و بسیج نیست. هر نیروی سرکوبگری را که جمهوری اسلامی به مراکز کار آورده است باید جمع شود. کارگر خودش میتواند تشکیلات درست کند. و کارخانه‌ها هم بخوبی سرو سامان دهد. دانشجو احتیاج به هیچ ارگانی خارج از اراده خودش ندارد. دانشجو احتیاج دارد اتحادیه‌های خودش و تجمعات خودش را داشته باشد، و انواع نهادها و موسساتی که می‌خواهد صنفی و سیاسی و علمی و غیره را تشکیل دهد و انواع انجمن‌ها و کانون‌ها را ایجاد کند. انواع

نشریات را داشته باشد. اینها به خود دانشجو مربوط است. هیچ ارگان سرکوبی نباید وارد کار شود. همه این ارگانهای سرکوب باید جمع شوند. در این شرایط طبیعی است که اگر کارگری که قدم بردارد و این ارگانهای سرکوب را بیرون بیندازد، بلافاصله میتواند متشکل شود. در اعتصاب‌های دیگر راحت نمیتوانند زورگیری کنند. بالاخره در خیلی از کشورها اجازه نداده اند که داخل کارخانه و داخل دانشگاه‌ها نیروی سرکوب را بگذارند و بساط دیکتاتوری برپا کنند. کارگر میگوید. در کارخانه من باید بتوانم اعتصابم را بکنم. تجمع و تحصنم را بکنم. مجمع عمومی تشکیل دهم. حرفم را بزنم. اعتراضم را بکنم و رئیس کارخانه‌ای را که حقم را خورده بیندازم بیرون و کاری بکنم. بالاخره اگر این ارگانهای سرکوب نباشد کارگر با دست بازتری داخل کارخانه میتواند اعتراض کند و دست کارفرما و رژیم بسته تر خواهد بود. دانشجویان تجربه زیادی دارند. کارگران و معلمان هم همینطور که چگونه این نیروهای سرکوبگر یکجا انجمن اسلامی، یکجا حراست و یکجا بسیج و شورای اسلامی و انواع نهادهای سرکوبگر را درست کرده اند برای سرکوب مردم. در نتیجه دست و پای مردم را از اینکه متشکل شوند، متحد شوند و اعتراضشان را به یک جایی برسانند به این شکل بسته اند و نبود اینها معلوم است که دست مردم برای اینکه متحدانه مبارزه‌شان را جلو ببرند و یکپارچه شوند و بیایند بیرون و اعتراض کنند و اعتصابشان را سازمان دهند و تشکیلاتشان را درست کنند بمراتب بازتر میشود.

شهلا دانشفر: در مورد شوراهای اسلامی نمونه بارز شرکت واحد است. در شرکت واحد کارگران در مبارزه‌شان جنگیدند. چماق‌داران خانه کارگر و شورای اسلامی برای

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## نیروهای سرکوب از مراکز کار ... از صفحه ۵

اینکه سندیکای شرکت واحد را در هم بشکنند، حمله کردند به سندیکای واحد و حتی میخواستند زبان اسانلو را ببرند. عیوضی در راس این حرکت جنایتکارانه بود. و همین عیوضی به عنوان نماینده کارگری به همراه هیات جمهوری اسلامی به کنفرانس جهانی کار، آی ال او، رفت و کارگران به آن اعتراض کردند. بنابراین همانطور که شما تاکید کردید، همه اینها شورای اسلامی، انجمن اسلامی و حراست اینها بازوهای سرکوب رژیم در مراکز کار هستند که تحت عناوین مختلف و با وطایف معینی دارند کار میکنند. نقش اصلی همه اینها سرکوب است. اما سوال دیگر این است که از نظر شما اخراج نیروهای سرکوبگر از مراکز کار چقدر قابل مقایسه با خواست آزادی زندانیان سیاسی است؟

اصغر کریمی: طبعاً هر کدام از این خواستها اهمیت خود را دارد. وجود زندانی سیاسی نشانه مهمی از بساط دیکتاتوری و سرکوب و ارباب جامعه است. وجود حراست در کارخانه نشانه دیگری از بساط يك حکومت سرکوبگری است که جلوی اعتراض مردم را میگیرد. فعال سیاسی را میگیرند، فعال کارگری را زندانی میکنند برای اینکه بگویند میخواهی اعتراض کنی؟ میخواهی متشکل شوی؟ میخواهی علیه حکومت یا علیه رهبر حرف بزنی؟ میگیریم و می اندازیمت توی زندان. شکنجه میکنیم. حراست هم در کارخانه دارد به کارگر همین را میگوید. میگوید اعتراض کنی، اعتصاب کنی، این برادران حراست را می بینی اینها همه شما را شناسایی میکنند. لوتان میدهند. می آیند دستگیرتان میکنند. اینها به اصطلاح چرخ و دنده های يك ماشین هستند که کارش سرکوب

کردیم. اما سوال کلیدی و مهم این است که چگونه این خواست را به کرسی مینشانیم و برایش مبارزه میکنیم. تاکیدات شما چیست؟

اصغر کریمی: به نظرم مساله اصلی این است که رهبران کارگری، کارگران سوسیالیست و پیشرو که پیشاپیش مبارزات کارگری هستند، به این نتیجه برسند که میتوانند و باید این کار را بکنند. آنوقت کار ساده تر میشود و راههای عملی آنها کارگران پیدا خواهند کرد. خودشان تجربیات زیادی دارند. یکجا ممکن است با اعتصاب این کار را بکنند. یکجا ممکن است وقتی که حراست به یکی حمله میکند و یا کارگری را دستگیر میکند، همانجا کارگران شورش کنند و بخواهند حراست بیرون برود. یکجا ممکن است مثل هفت تپه بریزند و وسط اعتراضات و اعتصاباتشان آنها را از کارخانه بیرون کنند. یکجا میتوانند بیانیه بدهند، یا دسته جمعی تعدادی از مراکز مختلف کارگری بیانیه بدهند و بگویند که تمام نیروهای سرکوب بساط دیکتاتوری در کارخانه هستند و باید جمع شوند. دو روز دیگر دانشگاهها باز میشوند و مبارزه ای که همیشه دانشجویان داشتند برای منحل شدن کمیته های انضباطی و اخراج حراست، را با شدت بیشتر به پیش برند و خواهان اخراج فوری آنها از دانشگاهها شوند. اصل مساله این است که در مورد جایگاه این مبارزه و این خواست در پیشروی مبارزات ما این هم نظری و تعجیل وجود داشته باشد و بدانیم که بویژه در شرایط کنونی زمینه برای پیشبرد این مبارزه بسیار فراهم تر است و میشود آنها را با قدرت به جلو برد و به سرانجام رساند. مساله مهم همین است و اگر به این نتیجه رسیدیم آنوقت کارگران تجربه اینکار را دارند. میتوانند بهترین بیانیه ها را بدهند و با ابتکارات بیشتر و سراسری تری برای آن عمل کنند. میتوانند کارگران از

کارخانجات مختلف در این مورد بیانیه بدهند و خواستشان را به جامعه اعلام کند و همبستگی ای سراسری شکل بدهند. اطلاع رسانی کنند و کل جامعه را حول این خواست بسیج کنند و از طریق پخش بیانیه ها از طریق رسانه ها و استفاده از همه امکانات این کار را با قدرت به پیش ببرند. به این معنی که کل جامعه، آن جوانی که در خیابان است و آن کسی که در پشت بام دارد شعار میدهد، بدانند که کارگران مراکز مختلف نیز گفته اند که ارگانهای سرکوب باید اخراج شوند. این هم گوشه دیگری از انقلابی است که در کارخانجات، در دانشگاهها، در آموزش و پرورش و در جاهای مختلف باید شکل بگیرد. اگر این حرکت به جریان بیفتد، راهها و اشکال خود را پیدا میکند. یکجا کارگران میتوانند

مجمع عمومی تشکیل دهند و بگویند چرا ارگانهای سرکوب در مراکز کارگری هست. چرا بوده چه صرف سرکوب ما کارگران میشود. این پولها را صرف دستمزدهای پرداخت نشده ما بکنید و حقوقمان را افزایش دهید. کارگران حول این مبارزه نه تنها مردم ایران بلکه باید مردم جهان را مطلع کنند و بگویند اینها بساط سرکوبشان را بر سر ما کارگران آورده اند و باید جمع کنند. مهم اینست که از نظر ضرورت این مبارزه در شرایط کنونی و عملی بودنش همه رهبران و فعالین کارگری و همینطور در دانشگاهها و در آموزش و پرورش و در همه جا هم نظر شوند، خواست اخراج نیروهای سرکوب را مطرح کنند و حول آن مبارزه سراسری و متحدانه ای را به پیش ببرند.

## کارگران صنایع مخابرات راه دور خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود هستند. دستمزدهای معوقه خود

اوضاع و پرداخت همه طلب هایشان داده شد. اکنون ۴ ماه از این انتقال میگذرد هیچ کدام از وعده های داده شده انجام نگرفته است. اکنون فضای اعتراض در میان کارگران بالاست و کارگران اعلام کرده اند که اگر پاسخ داده نشود دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران که در استان فارس واقع است یکی از کارخانه هایی است که در ابتدای دهه ۸۰ به بخش خصوصی واگذار شد. این کارخانه در زمینه تولید تجهیزات الکترونیکی فعالیت دارد.

کارگران صنایع مخابرات راه دور ایران در انتظار دریافت مطالبات معوقه ایلنا: کارگران کارخانه صنایع مخابرات راه دور ایران در انتظار دریافت مطالبات معوقه، تامین کار و برطرف شدن مشکل بازنشستگی خود هستند.

کارگران صنایع مخابرات راه دور ایران همچنان با مشکل دستمزدهای پرداخت نشده خود روبرویند. این کارگران در طول سال گذشته اعتراضات بسیاری کردند و سرانجام با انتقال این شرکت به هیات حمایت از صنایع به کارگران وعده بهبود

**یک دنیای بهتر بر نامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید**

**نپرداختن دستمزدها یک جنایت است**

## جنبش "آبی‌ها" با جنبش سرخ ۰۰۰ از صفحه ۱

کار می‌بیند، این دست‌بندی حداقل در این چهارچوب درست است و از ایشان می‌پذیریم! نگاهی گذرا به بهانه این مطلب به جنبش کارگری در این دوره خالی از لطف نیست.

## کارگران و وقایع اخیر

"جنبش سبز" و یا "موج سبز" اسم رمزی است که طرفداران موسوی و شرکا به اعتراضات میلیونی مردم می‌دهند تا آنرا از هدف و محتوای واقعی اش تهی کنند. اعتراضاتی که خشم فروخورده یک نسل را که بصورت میلیونی به خیابان ریخت و می‌رود که رژیم فقر و شکنجه و دروغ و دزدی را برای همیشه با تمام گند عالمی که به بار آورده است، به بایگانی و حافظه تاریخ بسپارد. گرچه اعتراضات مردم در خیابانهای شهرهای اصلی ایران خود را با شعارهای "مرگ بر دیکتاتور" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به نمایش گذاشت، اما سعی بسیار زیادی در صف اپوزیسیون شد که این اعتراضات را به عنوان حرکتی صرفا در چارچوب اعتراض به "تقلب در انتخابات"، به "دفاع از اصلاحات" و چنین مزخرفاتی جلوه دهند. حتی از میان جریاناتی که خود را چپ می‌خوانند نیز بودند جماعاتی که از سر مصالحی کاملاً ارتجاعی تمام تلاششان را این مدت این گذاشتند که همین را القا کنند.

واضح بود که بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان و توده‌های مسلکها بیشترین سعی خود را خواهند کرد که موسوی و کروبی را نشان مخاطبین خود بدهند و تمام اعتراضات خیابانی را به جیب بخش دیگری از همین رژیم بریزند! اما همینها هم مجبور شدند اقرار کنند که اعتراضات اخیر کل رژیم را هدف گرفته و تقلب در انتخابات صرفا یک بهانه است. بهررو آنچه روشن است اینست که یک جنبش بسیار وسیع و میلیونی در ایران به جریان افتاده که جهان را متوجه خود کرده است. شکست سیاسی عظیم را متحمل

شده است که از زیر آن کمر راست نخواهد کرد.

در چنین سناریویی است که چشم کل جامعه به جنبش کارگری است. هرچقدر بخواهند آن را نادیده بگیرند و یا به بهانه های پوچ و ابلهانه "عدم" اوجگیری جنبش کارگری را نشانه بی اعتنائی کارگران به اعتراضات اخیر بدانند، اما طبقه کارگر و جنبش کارگری مهر خود را بر این اعتراضات دارد. جدا از اینکه کارگران (کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی، بیکاران، پرستاران، معلمان و غیره) اکثریت شرکت کنندگان در تظاهراتی ضد رژیم را تشکیل می‌دهند، جنبش کارگری در بحبوحه تبلیغات انتخاباتی، رادیکالترین اول مه بعد از اول مه های سنندج را برگزار کرد. تشکلهای موجود کارگری در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری اسلامی اطلاعیه دادند و رسماً اعلام کردند که در آن شرکت نمی‌کنند و آن را بی ربط به زندگی کارگران می‌دانند.

محسن مهدیان در مطلب یاد شده از چند اعتصاب کارگری، در نساجی بوکان، لاستیک سازی دنا، پریس و کشت و صنعت هفت تپه اسم می برد. در همین دوره بعد از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی می توان علاوه بر اینها حداقل از اعتراض کارگران ایران خودرو، کشتی سازی ایران صلرا در بوشهر، کارگران شرکت واگن پارس اراک، کارخانه نساجی سیمین اصفهان، کارگران پروژه احداث بانک صادرات ارومیه و کارگران صنایع فلزی شماره ۱ نام برد. اعتراض کارگری شاید بیشترین اعتراض به جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته به رژیم اسلامی بوده است. اعتراضات این دوره اما حال و هوای دیگری دارند و بر متن اوضاع سیاسی متفاوتی در جریانند.

تمام جنبشهایی که در چهارچوب جنبش طبقاتی طبقه کارگر قرار می‌گیرند، در مشخصا

چهار پنج سال گذشته، اعتراضات رادیکالی را به پیش برده اند. اعتراضات روزمره کارگران، اعتراضات متحدانه و یکپارچه معلمان، اعتراضات پرستاران، دانشجویان و جوانان، همگی فقط چندین گام به جلو برداشته اند بدون اینکه حتی گامی را به عقب برگردند. رژیم اسلامی در هر کدام از این اعتراضات، صفی قاطع از "براندازان" را برابر خود دید و در برابرشان درمساندگی خودش را به نمایش گذاشت.

اما همچنانکه گفتم اعتراضات دور اخیر، بر متن اوضاع متحول و انقلابی به پیش می روند. مثلاً سنیدیکای کارگران شرکت واحد در برابر پرونده سازی دادگاههای رژیم قاطعانه ایستاد و ادعاهای پاپوش دوزانه آن را به چالش طلبید. قاطعانه می گوید که کارگران در هر جامعه ای مطالباتی دارند و مطالبات خود را در اشکال متفاوتی به پیش می برند. وظیفه هر حکومتی است که بجای پاپوش دوزی و نسبت دادن آن به جن و اجنه، حرف کارگران را بشنود و معقولانه به آنها جواب بدهد. اما در دوره ای که رژیمی رسماً در خیابانها به چالش کشیده می شود، هرگونه حمله ای، به تضعیف بیشتر آن منجر می شود و آن رژیم را یک قدم به زیاله دان تاریخ نزدیکتر می کند.

کارگران ایرانخودرو نیز که در اعتراض به رژیم اسلامی در چند سال گذشته نمونه بوده اند، درست در روزهای پر جوش و خروش اعتراضات خیابانی با سر دادن شعارهای ضدحکومتی تظاهراتی را برگزار کردند و جاده کرج را مسدود کردند. یک چنین حرکتی درست زمانی که کل جامعه به جنبش کارگری چشم دوخته است، فقط رعشه مرگ را بر اندام رژیمی که عزرائیل را روبروی خود می بیند، می اندازد. این از اعتراضات سازمان یافته کارگران. اما آنچه را که تحلیلگران سیاسی یا نمی بینند و یا به عمد نمی خواهند ببینند این است که کارگران ایران تشکلهای

توده ای خود را از جمله شوراهای اتحادیه های کارگری ندارند. اما چه کسی است که به خود جرأت می دهد بگوید که اعتراضات توده ای اخیر بدون شرکت کارگران به پیش می رفت؟ کارگری که در هر اعتراضی از عدم تحرك جامعه در برابر اجحافتی که در جامعه در جریان است گالیه می کرد، نمی تواند زمانی که هارترین نماینده طبقه سرمایه، حال با هر کم و کاستی که دارد، مورد اعتراض توده ای قرار گرفته، سکوت کند. کسی که می گوید کارگران تشکلهای خود را درست نکرده اند و در نتیجه نمی توانند در اعتراضات شرکت کنند و یا اگر شرکت کنند حاصل آن به جیب طبقات دیگر می رود، عوام فریبی می کند. یک جنگ روزمره کارگران با رژیم اسلامی بر سر تشکیل تشکلهایشان بوده است. حتی اگر جایی کارگران توانسته باشند تشکلی را به رژیم تحمیل کنند، همانند مورد نیشکر هفت تپه، رژیم از هر ترفندی استفاده کرده که تشکل کارگران را منحل کند و شوراهای اسلامی خود را به آن محیط کار تحمیل کند. بحث شرکت یا عدم شرکت کارگران در اعتراضات اخیر، حقیقتاً برای کسی جای سؤال نبوده؛ آنچه که در این بین مطرح است، بهانه گرفتن و تخطئه اعتراضات توده‌ای علیه رژیم بوده است. کسانی با ارائه بحثهای (در بهترین حالت) شدیداً پاسیفیستی این جنبش عظیم را به دلایل مختلف تخطئه کردند و کسانی که چنین بحثهایی را از ایشان پذیرفتند تنها سطحی نگری خود را به نمایش گذاشتند. در بوق و کرنا کردند که گویا این اعتراضات، جنگ دو بخش از خود رژیم است و کارگران و صف مستقل کارگران! در این اعتراضات شرکت نمی کنند. غافل از اینکه اعتراضات جنبشهای اعتراضی، از جمله جنبش کارگری، زنان و جوانان، خود را ابتدا در شکاف افتادن و جنگ جناحها به نمایش می گذارد. جنگ خونینی که در بین صفوف رژیم به راه افتاده است، پژواک جنگ خونین تری است

که طبقه کارگر سه دهه است با جمهوری اسلامی به پیش برده است.

## بحران عمیق اقتصادی رژیم و جنبش کارگری

محسن مهدیان نکته دیگری را مطرح می کند که بر بحث قدیمی ما صحه می گذارد. می گوید که "فعالان بخش خصوصی از بالا رفتن ریسک اقتصادی و امنیت می‌گویند. به گفته این فعالان، وقایع اخیر باعث عدم اطمینان در اقتصاد شده است. به نظر می‌رسد این ادعا منطقی باشد. هیچ يك از ۳۳ مهمان خارجی مدعو به يك همایش ریاضی در دانشگاه شریف در این همایش شرکت نکردند. این مدعوین هیچ نوع سرمایه‌گذاری هم قرار نبود انجام دهند و برای شرکت در این همایش کمی دست زدن و تشویق بی‌سابقه خواندن این اتفاق مجلس ختم ندا و دادگاههای تواب سازی را مقصر دانستند." آری، قبلاً گفته بودیم که هیچ سرمایه دار عاقلی سرمایه‌هایش را به يك منطقه ملتهب و متحول و از لحاظ سیاسی سیال نمی‌برد. این حتی در ایران دوران نسبتاً آرام رفسنجانی و خاتمی هم صدق می‌کرد، چه رسد به دوره ریاست جمهوری اسلامی احمدی‌نژاد که جز هوگو چاوز و بشار اسد، هیچ دوستی ندارد. و چه رسد به رژیمی که در عین حالی که احمدی‌نژاد رئیس جمهورش است، از طرف میلیونها توده مردم به چالش سرگونی هم طبلیده شده است.

اما کشوری که در یک چنین بحران سیاسی، اقتصادی، حکومتی و غیره گیر کرده است، نمی تواند با جنبش کارگری مقابله کند. محسن مهدیان کمی پائین تر می گوید: "حجم پول از ۲۱۵۰۰ میلیارد تومان در اسفند ۸۶ به ۱۵۷۰۰ میلیارد تومان در دی ماه ۸۷ کاهش یافته است. کاهش ۲۷ درصدی حجم نقدینگی در حالیکه تورم ۲۵ درصد است یعنی قدرت خرید مردم نسبت به قبل ۵۲ درصد کاهش یافته است." یعنی در عرض

## جنبش "آبی ها" با جنبش سرخ... از صفحه ۷

### جنبش کارگری چیست و چکار می‌تواند بکند؟

جنبش کارگری بسیار فراتر از صرف احاد کارگر است. احزاب کارگری، تشکل‌های توده‌ای کارگران، فعالین کارگری، مبارزات کارگران برای مطالبات معین و موارد این تپیی را می‌شود "جنبش کارگری" نامید. کسی که می‌گوید جنبش کارگری نظاره‌گر وقایع اخیر بوده است، برای ماستمالی کردن پسیفیسیم خود، فاکتور تشکلی تشکل‌های توده‌ای قبل از وارد شدن کارگران به مبارزه و انقلاب را پیش شرط قرار می‌دهد. این بحثی قدیمی است که صدها بار جواب گرفته است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی کارگران و کمونیست‌ها هیچوقت به مسئله انقلاب این چنین برخورد نکرده‌اند. جمهوری اسلامی از تشکلی

یکسال حجم پول با افزایش جمعیت و با تلنبار شدن مشکلات رژیم و اعتراضات روزمره در جامعه، ۵۸۰۰ میلیارد تومان کاهش یافته است. قدرت خرید مردم - یعنی قدرت خرید بخش فقیرتر جامعه - ۵۲ درصد کاهش یافته است! یعنی اگر شما دیروز با ۱۰۰ تومان می‌توانستید بخشی از مشکلات زندگی تان را برطرف کنید، امروز باید ۱۵۲ تومان برای آن در نظر بگیرید. حال بیکاری، کاهش دستمزد، و هزار و یک بالای اسلامی دیگر در این کشور را بر این مشکل بیافزاید تا بتوانید وضعیت واقعی کارگران را تجسم کنید! در چنین موقعیتی طبقه کارگر نمی‌تواند نظاره‌گر بماند. یا باید شاهد به قهقرا رفتن هر چه بیشتر وضعیت معیشتی خانواده خود باشد، یا کار این رژیم فقر و دزدی را یکسره کند.

### حضور خود را باور کنیم...

از صفحه ۱

پیدایش درگیر مبارزه بوده. و بخاطر استبداد طبقه حاکم که هر شکلی در ظاهر داشته امر مقدسش تضمین کار ارزان بوده این مبارزه از ابتدا شکل سیاسی و مستقیماً بر علیه حکومت به خودش گرفته. در همان ابتدا در بطن انقلابی زاده شد که علیه استبداد فئودالی در ایران بود. نمایندگان سیاسی این طبقه در این انقلاب فعالانه شرکت داشتند و حزب کمونیست زمانه خود را تشکلی دادند. بر خلاف آنچه القا میشود امر مبارزه کارگران از ابتدا با تشکل همراه بود. و رژیمهای حاکم بر ایران از هیچ جنایتی در ناپودی این تشکلات کوتاهی نکردند. در اوج استبداد رضا شاه کارگر در ایران اول مه این سیاسی ترین امر کارگران را گرامی داشتند. در دهه ۲۰ شمسی حضور فعالانه کارگران در خیابانها يك امر مشهود است. اگر این مبارزات رنگ و بوی ناسیونالیسم از نوع مصدقی گرفته و این گونه القا میشود که اگر مصدق

تشکل‌های مستقل توده‌ای کارگران با چنگ و دندان ممانعت کرده است. آخرین نمونه آن اذیت و آزار فعالین کارگری شرکت نیشکر هفت تپه بود. اما مبارزه کارگران و سازماندهی مبارزات کارگری برای حتی يك لحظه هم متوقف نشده است. همین محسن مهدیان می‌گوید که "کارگران کارخانه لاستیک سازی دنا می‌گویند که پس از آنکه لیستی از نام همکاران اخراجی خود را مشاهده کردند، با تشکلی شورایی ضمن اخراج مدیران کارخانه، مدیریت آن را برعهده گرفتند." این سرگذشت جنبش کارگری در ایران بوده است. کارگران هر زمانی که لازم بوده، سریعاً مجامع عمومی خود را تشکلی داده‌اند و برای اقدامات لازم همنظری کرده و طرح ریخته‌اند.

حزب کمونیست کارگری هم طبقه کارگر را در صحنه سیاسی نمایندگی کرده است. در تمام این اعتراضات اخیر، يك لحظه نبوده که طبقه کارگر در سیاست نمایندگی نشده باشد. منتها جای خالی فعالین

نبود حرفی هم از مبارزات آن دهه نبود يك تحریف آشکار تاریخ این مملکت است. امر مصلح امر ملی کردن سرمایه داری ایران بود اما امر طبقه کارگر بهبود شرایط کار و زندگی اش بود که خود را به شکل تشکلی سندیکا و اتحادیه‌های کارگری در آن دوران نشان میدهد. اما به عمد این امر را به حزب توده رسوا پیوند میدهند تا آن مبارزات را تخطئه کنند. در سال ۵۷ که خود آنرا تجربه کردیم شاهد بودیم که شعار مردم در مقطعی از مبارزات "کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما" بود. و این دستگاه شوم اسلامی سرمایه برای نابودی این رهبریت شکل گرفت. در سی سال اخیر کی طبقه کارگر ایران ساکت و آرام بوده است؟ در اوج کشتار دهه ۶۰ کارگران نگذاشتند قانونی به تصویب برسد که اساساً کارگر را به رسمیت نمی‌شناخت و نگاهش به این شکل بی نهایت متوحش آن به تصویب برسد که بماند که تعطیلی روز کارگر را هر چند برای خود کارگران بر آن تحمیل کرد. چرا کسانی که ظاهراً جنبش کارگری را

کارگری که جلوی اعتراضات کارگری و در صحنه هستند تا حد زیادی خالی است. فعالین کارگری که خود پیشقراولان مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی بوده‌اند، باید در همان ظرفیتی که تا بحال ظاهر شده‌اند، ظاهر شوند. جامعه را خطاب قرار دهند و از جامعه جهانی بخواهند که چنین و چنان کند.

نکته دوم اینکه حیاتی است که همین فعالین کارگری بدنه جنبش کارگری را به حزب طبقاتی خود حزب کمونیست کارگری وصل کنند. این تنها راه ضمانت به پیروزی رسیدن انقلابی است تا در سرانجام آن سر کارگر بدون کلاه نماند.

### موعظه مقابله با جنبش کارگری

محسن مهدیان در انتهای مطلب خود می‌نویسد: "باید از خلسه پرانده سبز و مخملین خارج شد و بیشتر نگران خروش آبی‌ها و سیاهی فقر و قرمزی فساد بود." به ایشان باید گفت که این از آن اندرزهایی است که بسیار دیر

رصد میکنند از بزرگاشتهای اول مه سنندج در دهه ۶۰ چیزی نمی‌گویند؟ آیا اینها اقدامات کوچکی بوده در زمانه‌ای که مخوف ترین دستگاههای امنیتی که تاکنون تاریخ سراغ داشته در همه جا جولان میداد. در همه این سالها و بخصوص در ۵ سال گذشته کارگران به شدت درگیر مبارزه بوده‌اند. بنابه آمار خود حکومت در سالهایی از این دوران سالی دو هزار اعتصاب کارگری شکل گرفته. مشهورترین مبارزات مبارزات کارگران نساجی سنندج و کارگران شرکت واحد تهران کارگران هفت تپه بوده است و بسیاری از مبارزات دیگر که مجال اشاره به آن در این نوشته نیست. آنهایی که به دنبال طبقه کارگر میگردند لطفاً نگاه کنند که در این چند ساله آخر چند روز بین المللی برای مبارزات کارگران شکل گرفت. آیا اینها همینجوری بیخود و بیجهت اتفاق افتاد؟

از جنبه دیگری به قضایا که نگاه کنیم حضور پر رنگ این طبقه را خواهیم دید. از همان ابتدا اگر انسانها

موعظه شده است. کسانی که می‌دانند چگونه معادن و جنگلها و چاههای نفت ایران را لپ لپ بخورند، می‌دانند که دیگر برای مقابله با جنبش کارگری و کلا جنبش اعتراضی که می‌رود هست جمهوری اسلامی را نیست کنند، خیلی دیر است. برای جمهوری اسلامی تنها يك راه برای مقابله با اعتراضات توده‌ای مانده است و آن هم همانی است که به آن متوسل شده است. جز تفنگ و نظامی کردن جامعه راه دیگری برایشان باقی نمانده است. جنبش کارگری هم راه پسرگدی برایش باقی نمانده. تنها کاری که باید بکند، متشکل شدن و کاتالیز کردن اعتراضات خود و به دست گرفتن رهبری اعتراضات خیابانی است. حزب کمونیست کارگری موجود است؛ رهبران با نفوذ و با اتوریته جلوی صف کارگران در صحنه اند. باید تشکل توده‌ای خود را ایجاد کنیم و این سه فاکتور را در يك پیوند عمیق و تنگاتنگ قرار دهیم. ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۹

در این مملکت حرف از کارگر و حکومت کارگری و سوسیالیستی زدند پدیده ابتدا به ساکن نبوده. انعکاس يك واقعیت اجتماعی است که آن حضور طبقه کارگر در ایران است که ساکت و خاموش نیست. اگر در ۱۰۰ سال پیش نطفه‌های حزب کمونیست ایران شکل می‌گیرد و بعداً رسماً این تشکل اعلام موجودیت میکند و کنگره برگزار میکند به کمینترین نماینده می‌فرستد آیا گویای وجود يك طبقه اجتماعی معین نیست که نمایندگان سیاسی اش را معرفی میکند؟ آیا در تمام دوران سلطنت پهلوی کمونیستهایی وجود نداشتند و به شدت درگیر مبارزه برای رهایی از شرایط فلاکت بار دوران خود نبودند؟ آیا این کمونیستها ابتدا به ساکن از آسمان نازل شدند یا پژواک مبارزه يك طبقه معینی به نام کارگر بوده است؟ در همه سالهای بعد از ۵۷ حضور ده هزار انسان کمونیست و تشکلات کمونیستی و کارگری که امر خودشان را رهایی طبقه معرفی کردند و

## حضور خود را باور کنیم...

از صفحه ۸

میکند نشان از حضور قدرتمند طبقه کارگر در عرصه سیاست این مملکت نیست؟ بعضی خوش ندارند بشنوند و با بپذیرند که اکنون حزب طبقه کارگر شکل گرفته و به شدت دارد آنرا نمایندگی میکند اما وجود همین حزب که بی‌امان در جهت سرنگونی این رژیم و در جهت الغای اعدام برای همیشه، در جهت احقاق حقوق کودک، در جهت برابری زنان و مردان و در جهت آزادی بی‌قید و شرط سیاسی و برقراری سوسیالیسم مبارزه میکند نشان از حضور هر چه قدرتمندتر طبقه کارگر ایران است. مگر کسی بیاید و ثابت کند که اینها خواسته‌های طبقه سرمایه دار ایران است.

اما مبارزات ما کارگران همیشه تخطئه شده است. و گاهی به هیچ شمرده شده است. یا این مبارزات را دفاعی خوانند، یا اعلام کردند تشکل نیست پس به جایی نمیرسد. یا گفتند افق سوسیالیست کارگران شکل نگرفته، یا بیان کردند کارگر هنوز مانده تا حزبش را تشکیل دهد و بحث‌های بی‌پایان و بیهوده برای تشکل یک حزب معین دارند بالاخره یکی‌شان پیدا نمیشود که بگوید تا ابد که نمیشود بحث را بر سر شرایط شکل‌گیری حزب گذاشت؟ اما آنها چون امرشان تشکیل حزب نبوده و نیست تا ابد حاضرند که به مباحثه بپردازند. میگویند کارگران به "سیاق همه ایرانیان تشکل گریز هستند!" خود از متشکل بودن هراس دارند به حساب کارگر گذاشتند. اگر کارگر در ایران مهلت داشت و با طناب دار جواب نمی‌گرفت اکنون احتیاج به این همه تئوری یافیه در باب تشکل و تشکل‌یابی و تشکل حزب موعود نبود. و بالاخره اینکه برخی کارگر را متهم میکنند که مواظب کلاه خودش است که باد نبرد. و بعد همان کارگر را مورد شتمات قرار میدهند کجایی؛ و بیا همین امروز درست وسط میدان انقلاب تهران پرچم سرخت را به بر زمین بکوب!

در مبارزات دو ماه گذشته درست است پرچم سرخ کارگر در دست توده مردم دیده نشد. اما این مبارزات اساسا در جهت مبارزات کارگران بوده است اگر بپذیریم این مبارزات برای تقلب انتخاباتی نیست بلکه در جهت آزادی و برابری است. اگر موسوی هست و کروی هست و سازگارا و بهنود؛ اینها میخواهند همان نقش سال ۵۷ خود را تکرار کنند و این مبارزات را به صلاح خانه سرمایه داری هدایت کنند. این مبارزات در جهت سرنگونی این رژیم نکبت بار و جنایت پیشه است آنچه به شکل انقلابی آن. آیا این امر طبقه کارگر نیست؟ آیا سرمایه داری خواستار انقلاب است؟ ایشان که رسماً خودشان را "ضد انقلاب" معرفی میکنند. کدام طبقه از وجود یک انقلاب و سرنگونی این حکومت به شکل انقلابی آن سود میبرد؟ تمام نمایندگان سیاسی سرمایه تحت لوی "مبارزه مدنی" به هر شکل انقلابی مبارزات مخالف هستند. ایشان از شنیدن "مرگ بر جمهوری اسلامی" وحشت دارند. بیاید قبول کنیم که حرفهایشان در باب عدم خشونت یک عوام فریبی آشکار و وقیحانه است چرا که اساس این نظام بردگی را که تماما بر خشونت بر علیه اکثریت مردم است پذیرفتند. اینها از مرگ این حکومت هراس دارند چون اینبار طبقه کارگر حضور دارد و بسیار قوی هم میباشد و متشکل است و هر روز به مبارزات عمق میبخشد.

اگر حضور تشکل سیاسی طبقه کارگر کمونیست کارگری میباشد نبود در این مملکت حرفی از حقوق کودک و حقوق زنان، جنبش علیه اعدام، جنبش علیه مذهب و حقوق کارگران و تشکل کارگران و آینده بدون استثمار و تبعیض نبود. اگر هم بود بسیار کم مایه و بی‌فروغ بود، که به طور نمونه از وزیر شدن سه زن حزب الهی به شغف آمدند. ویا مذهب نوع منتظری را تبلیغ میکنند نه برجیده شدن بساط مذهب از همه شئونات زندگی. اگر نبود این حزب و این جنبش، شعار آزادی و برابری از کجا می‌آمد؟ پس این طبقه حضور دارد

چون این طبقه در این شرایط رهایی میابد.

اما حضور طبقه کارگر به شکل اعتصاب و حضور با پرچم مشخص خودش در خیابان مهلتی میخواهد کوتاه. اینرا دیگر توده کارگر باید باور کند که مبارزات پراکنده شان و اما همیشگی شان منجر به وقایع امروز شده است و ایشان هستند که نقش اساسی در مبارزات مردم ایران داشتند. باید باور کنند که سیاست صرفا امر از ما بهتران نیست. سیاست امر روزمره زندگی همه ماست. چنانچه این مبارزات دو ماه شان داد وقتی توده مردم در سیاست دخالت مستقیم دارند این از ما بهتران هستند که دچار استیصال میشوند چون کار ایشان فقط با وجود مردمی خاموش به پیش میرود که حداکثر یک رای باشند در موعود چهار ساله. و کارگران در ایران فقط به این خود باوری نیاز دارند نه چیز دیگری.

و این خود باوری شکل نمیگیرد مگر اینکه ما که خود را نماینده سیاسی این طبقه میدانیم حضور خود را باور کنیم. باور کنیم که صد سال است مبارزه میکنیم. همین حضور نمایندگان این طبقه در عرصه مبارزات اجتماعی و سیاسی ایران است که ما را از همه جوامع اطراف یک سر و گردن بالاتر برده است. زیر سوال بردن حضور طبقه کارگر در مبارزات جاری زیر سوال بردن تمام تلاشهای صد ساله اخیر است نه یکی و دو ماه گذشته. احزاب بورژوازی را نگاه کنید شما چند نفر سرمایه دار در صفوف آنان مبینید؟ اما خواسته‌های ایشان و اهدافشان بیانگر اهداف سرمایه داران است. و میتوانند با امکانات سرکوب و دولت و تمام ابزارهای دسترسی به توده مردم مردم را به دنبال خود بکشانند. ما این امکانات را نداریم اما خواسته‌های ما اهداف توده تهیدست این جامعه است این را اگر همه گیر کردیم اتوقت میتوانیم شاهد باشیم که توده مردم پرچم طبقه کارگر را بدست بگیرند. و وظیفه‌ای که مارکس بر شمرده به سرانجام نهایی برسانیم.

## مبارزات کارگران پریس سندج ادامه دارد

روز چهاردهم مرداد ماه ۸۸ کارگران کارخانه ریسندگی پریس سندج همراه با خانواده‌های خود در مقابل استانداری کردستان در اعتراض به عدم اجرای رای دیوان عدالت اداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

این تجمع که از ساعت ده صبح شروع شد تا ساعت ۱۲ ظهر ادامه داشت.

مامورین امنیتی و انتظامی قبل از شروع تجمع کارگران بطور گسترده ای در محل حضور پیدا کرده بودند و در همان ابتدای شروع تجمع از کارگران خواستند به تجمع خود پایان دهند و یا کمی دورتر از مقابل استانداری به تجمع خود ادامه دهند اما کارگران این مسئله را نپذیرفتند و نهایتا به تجمع خود در مقابل استانداری ادامه دادند.

با ادامه تجمع کارگران و خانواده هایشان در مقابل استانداری در ساعت ۱۱ صبح یکی از مامورین انتظامی از نماینده‌های کارگران خواست جهت مذاکره با یکی از معاونین سیاسی امنیتی استانداری به داخل بروند.

در این مذاکره نماینده‌های کارگران با ارائه اسناد و طرح مسائل خود خواهان رسیدگی فوری به خواست هایشان شدند و نماینده استانداری نیز طی تماسی با اداره کار سندج خواهان پاسخگویی این اداره در مورد کارگران پریس شد.

لازم به یادآوری است در تاریخ ۲۶ بهمن ۸۷ دیوان عدالت طی حکمی رای هیئت حل اختلاف اداره کار سندج مبنی بر بازگشت بکار کارگران پریس با حذف قید موقت از قرارداد هایشان و پرداخت دستمزد ایام بلا تکلیفی آنان را صادر کرد. اما از آن تاریخ تا کنون کارفرما با انواع شگردها و کارشکنی از بکارگیری این کارگران و اجرای رای دیوان عدالت خودداری کرده است و مسئول روابط کار اداره کار سندج آقای نادر محمدی نیز در هم سوئی با کارفرما و تبانی آشکار با وی در مورخه ۲۷ تیر ۸۷ با وارد کردن نفرت دلخواه خود به هیئت حل اختلاف اداره کار سندج اقدام به صدور رای دیگری بر خلاف رای دیوان

عدالت نمود. علیرغم تلاش نادر محمدی برای صدور رای بر علیه کارگران، رای جدید هیئت حل اختلاف با یک نفر اختلاف آرا بر علیه کارگران صادر شده است. بر اساس این رای کارگران پریس بایستی با قرارداد موقت بر سر کارهای خود بازگردند. صدور این رای در حالی از سوی اداره کار سندج صورت میگیرد که دیوان عدالت پیشتر رای به دائمی بودن کارگران پریس داده است و به لحاظ قوانین موجود اداره کار سندج نه تنها حق صدور هیچ رای دیگری را نداشته است بلکه بایستی بر حسن اجرای رای دیوان عدالت نیز نظارت میکرد.

کارگران پریس پس از مذاکره با نماینده استانداری کردستان و قول وی برای رسیدگی فوری به خواسته‌هایشان ساعت ۱۲ ظهر به تجمع خود پایان دادند و قرار شد فردای آن روز نماینده‌های آنان پیگیر قول نماینده استانداری شوند.

کارگران پریس اعلام کرده اند در صورت عدم اجرای فوری رای دیوان عدالت به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

لازم به یادآوری است همزمان با این تجمع اعتراضی، مسئولین اتحادیه آزاد کارگران ایران پیگیر مسائل این کارگران از طریق دیوان عدالت جمهوری اسلامی شده و قرار گذاشتند که وکیل آنان آقای خلیل بهرامی در رابطه با عملکرد اداره کار سندج شکایتی را به این دیوان بدهند.

در این تجمع کارگران پریس و خانواده هایشان، آنان پارچه نوشته بزرگی را مبنی بر اجرای رای دیوان عدالت و محکوم کردن رای هیئت حل اختلاف اداره کار سندج بدست گرفته بودند. در این تجمع مامورین از نزدیک شدن مردم به کارگران و برداشتن عکس و فیلم بشدت جلوگیری میکردند.

در ارتباط با مبارزات کارگران پریس سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران با شریف ساعد پناه از

## مبارزات کارگران پوریس ...

از صفحه ۹

نمایندگان کارگران این کارخانه انجام داده است که در اینجا آورده ایم.

\*\*\*

**مصاحبه با شریف ساعد پناه از نماینده های کارگران پوریس**  
درد امروز من کارگر پوریس، درد فردای کارگر ایران خودرو است

آقای ساعد پناه کمی در مورد زمینه ها و شرایطی که امروز کارگران شرکت ریسندگی پوریس با آن مواجه هستند، توضیح دهید.

ساعد پناه: شرکت ریسندگی پوریس سنندج در کمربندی بهشت محمدی از سال ۱۳۸۰ با هدف تولید نخ طبیعی و مصنوعی با تعداد ۷۰ نفر پرسنل شروع بکار نمود و در حال حاضر تعداد پرسنل این شرکت به ۴۰ نفر کاهش پیدا کرده است.

در سال ۸۵ کارفرمای پوریس شروع به عدم پرداخت باموقع دستمزدهای کارگران کرد و قراردادهای کار را از یک سال به سه ماه کاهش داد و همین امر باعث شد آزمون دست به اعتصاب بنزیم که با خشونت توسط نیروهای انتظامی مورد سرکوب قرار گرفتیم.

بدنبال سرکوب اعتصاب، کارفرما با قرار گرفتن در موقعیت قوی تری اقدام به تغییر مدیریت شرکت کرد و به فشارهای خود بر کارگران افزود تا جایی که هر روز با بهانه های مختلف کارگران را جریمه و در مواردی اقدام به اخراج آنان می کرد. از آن تاریخ کارفرما قراردادهای کار را نیز از یک سال به دو ماه و یک ماه تقلیل داد و هر زمان که میخواست کارگران را به مرخصی های اجباری می فرستاد و دستمزدها را نیز با تعویق تا چهار ماه پرداخت می کرد.

ادامه این وضعیت برای ما خیلی سخت بود و بویژه بدلیل عدم پرداخت باموقع دستمزدها خانواده های ما تحت فشارهای شدید مالی

قرار داشتند. به همین دلیل ما شهریور ماه سال گذشته بار دیگر دست به اعتراض زدیم. بدنبال این اعتراض هیئت تشخیص اداره کار سنندج حکم به اخراج ۳۵ نفر از ما داد که با اعتراض ما در هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج مواجه شد.

در حال حاضر علیرغم صدور رای بازگشت بکار با حذف قید موقت از قراردادهایمان توسط هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج در اواخر مهر ماه سال گذشته و تایید آن از سوی دیوان عدالت اداری، کارفرما با استفاده از نفوذ خود در اداره کار سنندج و دادگاهها شرایطی را ایجاد کرده است که ما همچنان بالاترکلیف هستیم و نزدیک یکسال است هیچگونه دستمزدی نگرفته ایم.

سوال: آقای ساعدپناه همچنان که اشاره کردید علیرغم صدور رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج مبنی بر بازگشت بکار شما و تأیید آن از سوی دیوان عدالت اداری، این رای هنوز اجرا نشده و اداره کار سنندج بجای اجرای این آرا، رای دیگری را به ضرر شما بر روی رای دیوان عدالت صادر کرده و شما همچنان در بالاترکلیفی بسر می برید کمی بیشتر در مورد روندی که از شهریور ماه سال گذشته تا به امروز طی کرده اید، برایمان توضیح دهید.

ساعد پناه: ببینید پس از اعتراض ما در اواخر شهریور ماه سال گذشته به شرایط موجود در کارخانه و عدم پرداخت دستمزدهایمان، در تاریخ ۳۱/۶/۸۷ کارفرما با دستکاری و جعل قرارداد هایمان، رای اخراج ۳۵ نفر از ما را از هیئت تشخیص اداره کار سنندج گرفت.

ما نیز با برگزاری ده ها تجمع اعتراضی و طرح شکایت مبنی بر جعل قرارداد هایمان از سوی کارفرما، مسئله را پیگیری کردیم و از طریق سپردن وکالتیمان به مسئولین اتحادیه آزاد کارگران ایران

در هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج، دادنامه ای را در اعتراض به رای هیئت تشخیص به هیئت حل اختلاف تسلیم کردیم و نهایتا توانستیم در جلسه مورخه ۲۸/۷/۸۷ هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج، رای بازگشت بکار با حذف قید موقت از قراردادهایمان را بگیریم.

بدنبال صدور این رای در هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج که به اتفاق آرا صادر شده بود کارفرما با مراجعه به دیوان عدالت دستور توقیف اجرای رای را گرفت و با اعتراض ما به این مسئله در دیوان عدالت که با وکالت آقای دکتر بهرامیان آترا پیگیری کردیم، دیوان عدالت در مورخه ۱۱/۲۶/۸۷ رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج را تایید کرد. با صدور این رای از سوی دیوان، ما جهت اجرای رای به کارخانه مراجعه کردیم و کارفرما با بهانه روزهای پایان سال و تعطیلات نوروزی به ما اعلام کرد پس از تعطیلات عید مراجعه کنید. از آن تاریخ تاکنون بیش از پنج ماه میگذرد اما متأسفانه رای اجرا نشده است و دلیل اصلی آن عدم تمکین کارفرما به رای دیوان عدالت و اعمال نفوذش در اداره کار سنندج و دیگر ارگانهای مسئول اجرای رای می باشد.

سوال: کمی بیشتر در این مورد توضیح دهید؟

ساعد پناه: همانطور که در پاسخ سوال قبلی گفتیم کارفرما پس از صدور رای دیوان عدالت از ما خواست تا پس از تعطیلات سال نو بر سر کارهایمان مراجعه کنیم به همین دلیل ما در تاریخ ۱۶/۱/۸۸ به همراه مامور اجرای احکام جهت ابقا بکار اولیه به شرکت مراجع نمودیم و طی صورت جلسه ای با کارفرما مقرر گردید وی در اسرع وقت نسبت به کارگیری ما اقدام کند همچنین مقرر شد ما در این مدت هر روز در محوطه کارخانه حضور پیدا کنیم تا بتدریج در کارهای اولیه خود مشغول بکار



کارگران و درگیری با آنان در محوطه کارخانه نمود و در این رابطه نیز شکایتی را از کارگران به دادگاه برد.

اداره کار سنندج نیز پس از شکایت کارفرما اقدام به صدور رای دیگری بر علیه ما کرد و با نقض رای دیوان عدالت که کاری مطلقاً غیر قانونی است حکم به موقتی کردن قراردادهای ما داد. اما کارفرما حتی از رای نقض شده دیوان توسط اداره کار سنندج نیز تبعیت نمیکند و با اعمال نفوذ در ادارات دولتی سنندج نه ما را سر کار بر میگردداند و نه دستمزدهای معوقه ما را پرداخت میکنند.

ما در رابطه با دستمزدهایمان حکم توقیف دو تن نخ تولیدی کارخانه را گرفتیم و قرار بود شنبه گذشته این

پس از گذشت سه روز از حضور ما در محوطه کارخانه، کارفرما قرارداد جدیدی را که خود تنظیم کرده بود جلوی ما گذاشت تا آترا امضا کنیم اما ما آترا قبول نکرده و اعلام کردیم ما فقط خواهان اجرای رای دیوان عدالت هستیم و طبق رای دیوان ما کارگران دائمی محسوب می شویم و فقط باید به کار خود در این کارخانه ادامه دهیم نه اینکه قرار داد جدیدی آنهم به دلخواه کارفرما با وی ببندیم.

بدنبال این مقاومت از سوی ما که فقط خواهان اجرای رای بالاترین مرجع قانونی کشور بودیم کارفرما شکایتی را به اداره کار سنندج تسلیم کرد و سه روز پس از شکایت نیز اقدام به راه انداختن دعوا با

## مبارزات کارگران پریس ...

از صفحه ۱۰

نخه‌ها برای پرداخت دستمزدهایمان توقیف شود که کارفرما با اعمال نفوذ در دادگاه از طریق سند سازی مبنی بر اینکه این نخه مال کس دیگری است جلو آنرا گرفت.

سوال: آقای ساعدپناه اشاره به ایجاد دعوا از سوی کارفرما با کارگران کردید در این مورد اگر ممکن است بیشتری توضیح دهید؟

ساعد پناه: منظور من از کارفرمای شرکت، آقای امیر اسفند یاری میباید که در سال‌های قبل سالی دو بار به سندج می آمد ولی حالا در هفته دو بار به اینجا می آید.

ما از مورخه 16/1/88 بر اساس صورتجلسه مامور اجرای احکام هر روز ساعت 6 صبح الی 14 ظهر در محوطه کارخانه بسر میبردیم. اما روز 23/1/88 آقای اسفندیاری در ساعت شش صبح به طرز توهین آمیزی تلاش کرد مانع حضور کارگران در محوطه کارخانه شود و با اعلام اینکه من کاراته باز هستم و اگر در محوطه کارخانه حضور پیدا کنید همه تان را می کشم سعی در ایجاد رعب در میان ما کرد و بلافاصله اقدام به کتک کاری من و یکی دیگر از کارگران نمود ما نیز با حفظ هوشیاری از برخورد فیزیکی با او پرهیز کرده و اقدام به شکایت از وی کردیم. متقابلاً آقای اسفندیاری نیز در جهت اجرای کامل سناریوی خود، بطور مصنوعی و با ایجاد ظاهری کتک خورده از خود، اقدام به شکایت از ما کرد و کار به پزشکی قانونی کشیده شد. در دادگاه چون مسئله جزئی بود قاضی پرونده به هر دو طرف پیشنهاد سازش داد که با مخا لفت اسفندیاری روبرو شد تا اینکه هفته گذشته دادگاه بطور ناباورانه ای رای به نفع اسفندیاری داد و قاضی دستور بازداشت 18 نفر از کارگران

را صادر نمود که با مخالفت کارگران روبرو شد و آنان بطور یکصدا اعلام کردند همگی آمده رفتن به زندان هستند. بدنبال این عکس العمل از سوی کارگران، قاضی ناچار گردید برای تمامی آنان 3 نفر کارمند بعنوان کفالت تا صدور رای نهایی قبول کند.

سوال: آقای ساعدپناه بیش از ده ماه است کارگران پریس هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. شما علیرغم هزینه های شکایات و گرانی سرسام آور مایحتاج زندگی، چگونه در این مدت گذران زندگی خود و خانواده هایتان را تامین کرده اید؟

کارگری که ده ماه در بلاتکلیفی و بدنبال شکایات و .... بوده است، نمی توان گفت زندگی کرده، کدام زندگی؟ زندگی ایی که در طول یکسال نه خبری از پوشاک نو، نه خوراکی و نه تامین دوا و درمان اش بوده، نباید اسم آن را زندگی گذاشت. ما در طول این ایام تنها به خود و هم طبقه هایمان متکی بوده هستیم. در این ایام کارفرما با انواع ترغیب ها و با زیر فشار بردن کارگران از نظر مالی، تلاش کرده آنان را خسته کرده و اتحاد و همبستگی آنان را از هم پاشد که خوشبختانه موفق نشده است. در این مدت هر کدام از کارگران مبلغی را که از اقوام یا دوستان خود میتوانسته اند قرض بگیرند، قرض گرفته اند و بلافاصله آن را بین همکارانشان که احتیاجات مبرم داشته اند تقسیم نموده اند.

در این میان مهمتر از همه، خانواده هایمان و احساس همدردی و همبستگی آنان با ما در پشت سر گذاشتن مشکلات کمر شکنی بوده که کارفرما و ارگانهای دولتی برایمان ایجاد کرده اند. خانواده های ما در این مدت به هر نوع بخور و نمیری قناعت کرده و ساخته اند و همین خود عامل مهمی در

## بیانیه کارگران پریس

با توجه به حکم بازگشت به کار ما کارگران پریس با قراردادهای دائمی و پرداخت دستمزدهای ایام بلاتکلیفی که در مورخه 16/1/88 از سوی دیوان عدالت اداری صادر گردیده است و از آنجا که از تاریخ صدور این حکم نزدیک به چهار ماه گذشته است و در این مدت اداره کار سندج و دادگاه اجرای احکام با وجود پیگیریهای مکرر ما هیچگونه اقدام عملی برای اجرای رای دیوان عدالت بعمل نیاورده اند و بویژه اداره کار سندج در تنبلی آشکار با کارفرما و بر خلاف نص صریح رای دیوان عدالت، اقدام به صدور رای دیگری به نفع کارفرما و علیه ما کارگران کرده است، لذا بدینوسیله اعلام میداریم چنانچه تا روز چهارشنبه مورخه 14/5/88 اقدام فوری و عملی برای پرداخت دستمزدهای معوقه و بازگشت بکارما از سوی کارفرما و دستگاههای مسئول اجرای حکم دیوان عدالت به عمل نیاید به ناچار برای احقاق حق مان همراه با خانواده های خود در مقابل استانداری کردستان دست به تجمع خواهیم زد.

کارگران کارخانه ریسندگی پریس سندج 12/5/88

ایستادگی ما بوده است. ما در همان اوایل يك فراخوان كمك مالی دادیم هر چند آنچه‌آن که انتظار داشتیم این مسئله پیش نرفت اما بهرحال مبلغی که کفاف دو بار هزینه رفت و برگشت کارگران را (جهت تجمع در مقابل دیوان) به تهران میداد از طرف اتحادیه آزاد و دیگر هم طبقه ای هایمان کمک شد. ما و خانواده هایمان در این مدت روزهای بسیار سختی را سپری کرده ایم که بی اغراق از توان انسان خارج است و من قادر به تصویر کشیدن آن با قلم و کاغذ نیستم. اما با این حال ما ایستاده ایم و تا رسیدن به حق مان خواهیم ایستاد.

سوال: آقای ساعدپناه کارگران پریس برای رسیدن به خواست هایشان در مورخه .... در مقابل استانداری دست به تجمع زدند این تجمع چه نتایجی را در بر داشت و در هفته ها و روزهای آینده کارگران برای رسیدن به خواست هایشان چه اقداماتی را در دستور خود قرار داده اند؟

ساعد پناه: این تجمع منجر به برگزاری جلسه ای با شرکت کارفرما در استانداری کردستان شد و توافقاتی نیز در آن بعمل آمد که همانند سایر توافقات و آرا صادر شده کارفرما با گردن کلفتی از اجرای آنها سرباز زده است.

این شرایط و تداوم آن، وضعیت ما کارگران را در موقعیت بسیار غیر قابل تحملی قرار داده است بطوریکه هر لحظه احتمال انجام اقدامات غیر قابل پیش بینی و غیر قابل جبران از سوی کارگران وجود دارد. به عنوان مثال هفته گذشته یکی از کارگران با تهیه يك گالن 4 لیتری بنزین در پی به آتش کشیدن خود در مقابل استانداری کردستان بود که با هوشیاری سایر همکاران جلوی این اقدام وی گرفته شد.

من در حال حاضر نمیتوانم پیش بینی کنم کارگران بطور انفرادی چه

اقداماتی ممکن است انجام بدهند اما بحث چادر زدن کارگران به مدت نامحدود به همراه خانواده هایشان در مقابل استانداری در میان آنان مطرح است و اگر وضعیت موجود تداوم پیدا کند ما شاهد اقدامات شدید اعتراضی از سوی کارگران پریس خواهیم بود.

ما دو راه بیشتر نداریم یکی تا جایی که ممکن است و بتوانیم جواب بگیریم از راه های قانونی پیگیر مطالبات و خواسته ها یمان خواهیم بود و در غیر اینصورت از راه اتحاد و همبستگی کارگران که بارها آن را محک زده ایم و جواب هم داده است دست به اقدامات اعتراضی شدیدتری خواهیم زد.

در این اواخر ما به هر دری زده ایم اما متأسفانه جوابی نگرفته ایم به همین دلیل ناچاریم به همراه خانواده ها یمان در جلو ادارات مربوطه و استانداری دست به تجمع اعتراضی بزنیم.

اجرای يك رای به نظر من چیزی زیادی نیست و من بعنوان يك هم طبقه ای از تمامی کارگران و هموعان خود خواهش می کنم امروز بیشتر از دیروز به کمک هم بشتابند، درد امروز من کارگر پریس، درد فردای کارگر ایران خواهد رساند.

ساعد پناه: من هم از همه زحمات شما در سایت اتحاد تشکر میکنم.

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

## موفقیت کارگران ذوب آهن اصفهان

بدنبال اعتصاب غذای کارگران ذوب آهن اصفهان در اسفند ماه سال گذشته، قراردادهای کارگران شرکتی این کارخانه به قرارداد مستقیم تبدیل شد و افزایش ۲۵ درصدی دریافتی پرسنل رسمی به اجرا درآمد.

کارگران ذوب آهن اصفهان دهم اسفند ماه سال گذشته دست به یک اعتصاب غذای یک هفته ای زده و خواهان رسیدگی به خواستههای خود شدند. در این حرکت اعتراضی کارگران خواستههای خود را بصورت یک بیانیه منتشر کرده اند و در آن خواستههای زیر را طرح کرده بودند:

۱. افزایش سقف وام مسکن همانند مجتمع فولاد و پرداخت ما به التفاوت آن به کلیه کارکنان(نه فقط تعاونی مسکن)

۲. پرداخت حق جذب همانند مجتمع فولاد

۳. پرداخت پاداش به کارگران همه شرکت ها به دلیل سهم همه آنها در تولید

۴. تامین امکانات رفاهی و تفریحی و سیاحتی(بن خرید رستوران کارت سفر لوازم ورزشی و...)

۵. پرداخت ژتون پذیرایی به پرسنل کلیه شرکت ها

۶. پرداخت عادلانه حقوق پرسنل شرکتی و افزایش سهم آنها از وجوه پرداختی ذوب آهن به شرکت ها

۷. برقراری بیمه تکمیلی درمان برای کلیه پرسنل همانند مجتمع فولاد

۸. رسیدگی به وضع رقت بار بازنشستگان ذوب آهن(که خود را در آیینه آنها می بینیم) و عملی شدن قول های مسئولین ارشد استان به ایشان

صبح ششم اسفند ۸۷ بود که اطلاعیه مربوط به اعلام اعتصاب در بخش های مختلف کارخانه پخش شد و از صبح ده اسفند بخش های مختلف کارخانه به تدریج وارد اعتصاب شدند و یک هفته اعتصاب غذای کارگران انعکاس بسیاری گسترده ای داشت. کارگران همان موقع اعلام داشتند که در صورتیکه به خواستههایشان پاسخ داده نشود به اشکال گسترده تری اعتراض خود را ادامه خواهند داد.

موفقیت امروز اولین قدم برای تثبیت این موفقیت و تحمیل دیگر خواستهها از جمله خواست افزایش دستمزدها که یک خواست فوری همه کارگران است، بیرون انداختن حراست از کارخانه است. همچنین کارگر کمونیست بر حفظ اتحاد کارگران و تشکیل مجمع عمومی بعنوان ابزاری برای متحد نگاهداشتن مبارزات کارگران تاکید دارد.

برای یادآوری بیشتر اعتراض با شکوه کارگران ذوب آهن در اسفند سال گذشته گزارش کامل آنرا در اینجا منتشر میکنیم:

گزارشی از محمود یونسی خبرنگار کانال جدید از اصفهان

ذوب آهن اصفهان ۱۸۰۰۰ کارگر دارد. ۱۰ هزار شرکتی و ۸ هزار

رسمی. از میان کارگران رسمی بخشی روزگار ثابت هستند که از ساعت ۷

صبح تا ۴ عصر کار میکنند. باقی شیفت چرخشی هستند که سه نوبت

است. ساعت ۶ تا ۳ عصر. ۱۱ تا ۳ شب و ۱۱ تا صبح. حداقل حقوق کارگران شرکتی میانگین ۲۷۰ هزار

تومان است. که خیلی اوقات به تعویق می افتد. حقوق کارگران رسمی در هر

بخش بنا به سختی کار و شیفت کاری و غیره تفاوتهایی میکند که میانگین

آن بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان است. بخش های مختلف ذوب آهن عبارتند

از ریخته گری، نورد، کامورتور، ضایعات، اکسیژن، نیروگاه حرارتی، کارگاههای تراشکاری، کوک سازی، حمل و نقل، رفاه، تعاون، بخش اداری

و... در هر بخش کارگران نمایندگان خود را انتخاب کرده اند. در این

اعتصاب بعد از اینکه به کارگران گفته شد که طرح را به تهران فرستاده اند تا

جواب داده شود، نمایندگان موضوع را به میان کارگران بردند. کارگران اعلام کردند که به اعتراض خود ادامه

میدهند. بدین ترتیب از روز ۱۰ اسفند تا ۲۵ اسفند که گفته شده به کارگران پاسخ داده میشود کارگران اعلام کرده اند در ادامه اعتراضاتشان و برای

پیگیری خواستههایشان از رفتن به غذاخوری خودداری خواهند کرد. کارگران خواستههای خود را بصورت یک

بیانیه منتشر کرده اند و در آن خواستههای زیر را طرح کرده اند:

۱. افزایش سقف وام مسکن همانند مجتمع فولاد و پرداخت ما به التفاوت آن به کلیه کارکنان(نه فقط تعاونی مسکن)

۲. پرداخت حق جذب همانند مجتمع فولاد

۳. پرداخت پاداش به کارگران همه شرکت ها به دلیل سهم همه آنها در تولید

۴. تامین امکانات رفاهی و تفریحی و سیاحتی(بن خرید رستوران کارت سفر لوازم ورزشی و...)

۵. پرداخت ژتون پذیرایی به پرسنل کلیه شرکت ها

۶. پرداخت عادلانه حقوق پرسنل شرکتی و افزایش سهم آنها از وجوه پرداختی ذوب آهن به شرکت ها

۷. برقراری بیمه تکمیلی درمان برای کلیه پرسنل همانند مجتمع فولاد

۸. رسیدگی به وضع رقت بار بازنشستگان ذوب آهن(که خود را در آیینه آنها می بینیم) و عملی شدن قول های مسئولین ارشد استان به ایشان

صبح ششم اسفند ۸۷ بود که اطلاعیه مربوط به اعلام اعتصاب در

بخش های مختلف کارخانه پخش شد و بنا به قرار قبلی روز ۱۰ اسفند ۸۷

کارگران قسمتهای مختلف کارخانه منجمله کارگاههای نورد ۶۵۰، نورد ۵۰۰ و نورد ۳۰۰ بخش

فولادسازی- به ویژه کارگاه ریخته گری - مدیریت آبرسانی و رستوران ۷ و ۸ و سایر قسمتها از طریق عدم دریافت

غذای کارخانه اعتراض خود را شروع کردند. روز ۱۱ اسفند ماه بخشی از

کارکنان آزمایشگاه مرکزی، هدایت فنی راه آهن و ... نیز به اعتصاب پیوستند و روز ۱۲ اسفند کارگران

کوره بلند نیز با جمع آوری ژتون های غذا، آنها را پاره کرده و به همکاران اعتصابی خود در سایر قسمتها ملحق

شدند. در این روز رستوران ۷ و ۸ که نزدیک به کانون اعتصاب است با ۱۴۰۰ پرس غذای مازاد مواجه شد.

- روز ۱۳ اسفند ماه کارگران راه آهن نیز همراه با سایر کارگران از دریافت غذای کارخانه خودداری کردند

ذوب آهن اصفهان با پیوستن تدریجی بسیاری از بخشهای کارخانه به اعتصاب، ابعاد و دامنه هر چه بیشتری پیدا کرد.

مجتمع فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان زیرمجموعه شرکت ملی فولاد

هستند و هر دو به یک میزان کارگر دارند که بیشتر آنها پیمانی هستند. کارگران ذوب آهن از

امکانات کمتری نسبت به فولاد مبارکه برخوردارند. ناامنی شغلی و عدم بهداشت محیط کار از معضلات

جدی کارگران ذوب آهن است. این موضوع باعث بیماری های ناشی از کار و آسیب های جدی در میان کارگران شده است.

کارخانه ذوب آهن اصفهان در سال ۱۳۵۰ شمسی تاسیس شده و تخمین

زده می شود در حدود ۴۵۰۰۰ نفر بازنشسته داشته باشد. تبعیض میان

حقوق بازنشستگان این کارخانه با سایر ارگان ها و سازمان های دولتی

موضوع اعتراض این کارگران است و به این خاطر بارها دست به اعتراض زده

اند. از جمله روز ۱۲ آذرماه امسال بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران

بازنشسته و کارگران قراردادی ذوب آهن اصفهان در مقابل این مجتمع

دست به تجمع زدند و اتوبان اصفهان شهر کرد را مسدود کردند. کارگران

بازنشسته ذوب آهن خواهان افزایش حقوق بازنشستگی و همسان سازی

حقوق خود با سایر بازنشستگان شدند. قبل از آن در ۲۰ آبان نیز شمار زیادی

از کارگران بازنشسته ذوب آهن در روز در مقابل کانون بازنشستگان شهر

اصفهان اجتماع کردند. آنان علیه سطح نازل حقوق بازنشستگی، وضعیت بسیار بد معیشتی و خودداری دولت از

پرداخت حقوق اولیه معیشتی و انسانی آن ها دست به اعتراض زدند. که این اجتماع در همان لحظات نخست مطابق معمول با تهاجم نیروی سرکوب

مواجه شد. پلیس و نیروهای امنیتی با حداکثر شتاب برای متفرق کردن

کارگران دست به کار شدند. کارگران بازنشسته ذوب آهن همواره در اعتراض به وضعیت خود تجمعات اعتراضی داشته اند.

## اخباری از اعتراضات کارگری در ایران

### پیروزی کارگران کوره پزخانه های وایقان شبستر

روز یکشنبه ۱۴ تیر ماه ۸۸ اعتصاب ۴۰۰۰ کارگر کوره پزخانه های وایقان شبستر پس از ۱۷ روز ایستادگی و مبارزه متحدانه، با موفقیت پایان یافت. دستمزد ۱۱ تومان برای هر خشت، پرداخت کامل حق بیمه کارگران و پرداخت هزینه های حمل اثاثیه کارگرانی را که به این کارگاه ها وارد می شوند و تحویل روزانه نان یارانه ای به درب منازل کارگران ساکن در کوره پزخانه ها از سوی کارفرما، حاصل این اعتصاب ۱۷ روزه می باشد. پیش از این به کارگران کمتر از ۱۰ تومان برای هر خشت دستمزد پرداخت میشد و کارفرما از تعیین دستمزد جدید برای امسال خودداری میکرد. کارگران کوره پزخانه های شبستر طی امسال و سال گذشته در مبارزه بر سر افزایش دستمزد ها مبارزاتی متحدانه ای را به پیش بردند و دستاوردهای خوبی داشتند. زنده باد اتحاد کارگران.

### اعتصاب کارگران پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه

در پی صدور اطلاعیه ای از سوی یکی از پیمانکاران پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه- شرکت سازه - مبنی بر اعلام کار اجباری در روزهای جمعه، کارگران این شرکت که بالغ بر ۲۳۰ نفر می باشند، صبح روز چهارشنبه ۲۴ تیر ماه، با خودداری از پوشیدن لباس های کار و با تجمع در برابر دفتر شرکت سازه به این تصمیم اعتراض نموده و اعلام نمودند که تا لغو کار اجباری در روزهای جمعه بر سر کار حاضر نخواهند شد. ساعاتی پس از این اقدام سرپرست کارگاه با آمدن به میان کارگران خبر لغو این تصمیم را به آنان اعلام نمود. پیش از این نیز در سال گذشته تلاش هایی به منظور کار اجباری در روز جمعه به صورت یک درمیان و بدون در نظر

گرفتن فوق العاده دستمزد برای روزهای تعطیل از سوی کارفرماها به عمل آمده بود، که با اعتراض کارگران به شکست انجامیده بود.

### اعتصاب کارگران پروژه احداث بانک صادرات ارومیه

بنابه خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران روز ۳ مرداد ماه منتشر کرده است، بخشی از کارگران قالب بندی و آرماتوربندی پروژه احداث بانک صادرات ارومیه که برای پیمانکار دست دوم شرکت رهگا کار می کنند، در اعتراض به تعویق ۲ ماه از دستمزدهایشان روز ۲ مرداد دست از کار کشیدند. سایر کارگران این پروژه نیز قرار بر این گذاشتند که روز ۴ مرداد به اعتصاب همکارانشان بپیوندند. در بخش دیگری از این خبر آمده است که کشمکش بین این کارگران و پیمانکاران بر سر پرداخت بواقع دستمزدها دارای سابقه است و در آخرین اقدام اعتصاب، ۸ تن از کارگران پیمانی اخراجی است. در این کشمکشها نیروی انتظامی و اداره کار همواره بعنوان یاران کارفرماها عمل کرده و هر بار با دخالت به نفع کارفرما وارد عمل شده اند.

### اعتراض کارگران صنایع فلزی ۱

بنابه اخبار دریافتی، کارگران صنایع فلزی شماره ۱ و شماره ۲ از اول سال ۸۸ تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند. بنا به این خبر در طول این مدت کارخانه صنایع فلزی شماره ۱ با مشکل تهیه مواد اولیه نیز مواجه بوده است و این وضعیت در طول ماههای گذشته باعث گردید که بر اثر فشار کارگران، مدیرعامل و مدیر کارخانه شرکت را رها کنند و هیأت مدیره اقدام به انتصاب مدیرعامل جدیدی برای این کارخانه بکنند. انتصاب مدیرعامل جدید تغییری در پرداخت دستمزدهای کارگران ایجاد نکرد و تداوم عدم پرداخت دستمزد کارگران باعث شد که روز ۲۲ تیر در حرکتی متحدانه اقدام به بیرون کردن

مدیران فروش و تولید و سایر مدیران میانی از کارخانه نمایند.

در پی این حرکت کارگران، وزارت کار و نیروهای انتظامی که نگران تشدید اعتراضات کارگران و به خیابان کشیده شدن آنها بودند، روز ۲۳ تیرماه در اقدامی عاجل مدیرعامل شرکت را علیرغم ترس و لرز از خشم کارگران، به حضور در محل کارخانه وادار کرده و از وی خواستند هر چه سریعتر وضعیت را به حالت عادی برگرداند. مدیرعامل با اسکورت نیروهای انتظامی در محل کارخانه حاضر شد و با حضور در اجتماع کارگران از آنها خواست که مطالبات خود را مطرح کنند. مدیریت این کارخانه شفاها به مطالبات کارگران، که علاوه بر پرداخت دستمزدهای معوقه، عدم بازگشت مدیران اخراجی از جانب کارگران در روز ۲۲ تیرماه نیز بود، گردن گذاشت. مدیریت به کارگران قول داد که تا آخر مردادماه دستمزد مرداد کارگران پرداخت خواهد شد و دستمزدهای معوقه ماههای گذشته را نیز به مرور زمان پرداخت خواهد شد.

### اعتراضات آموزشیاران حق التدریسی نهضت سواد آموزی

بنا به گزارشی در سایت اتحاد طی هفته پایانی تیر ماه گروه هایی از معلمان حق التدریسی از شهرستانهای مختلف از جمله ارومیه، بوشهر، اصفهان همدان، کرمانشاه و سنندج به نمایندگی از طرف دیگر همکاران آموزشیار خود به دفتر سازمان نهضت سواد آموزی تهران مراجعه نموده و به اخراج خود از این سازمان اعتراض کردند. از جمله این معترضان معلمان سنندجی و اصفهانی بودند که روز سه شنبه ۲۳ تیر ماه جهت اعتراض به اخراج خود به سازمان نهضت سواد آموزی تهران واقع در خیابان فاطمی مراجعه کردند و خواهان بازگشت به کار و استخدام رسمی خود شدند. روسا و کارمندان سازمان نهضت سواد آموزی تهران نگران از تجمع معلمان معترض آنان را به صرف صبحانه دعوت کردند. اما رئیس سازمان در

جمع معترضین حاضر شد و اعلام کرد که مشکلات آموزشیاران مشکلات کاملاً شخصی بوده و ربطی به سازمان ندارد! وی حاضر نشد به صحبت معلمان گوش و به مطالبه آنان مبنی بر بازگشت به کار و استخدام رسمی پاسخ مناسبی بدهد.

آموزشیاران معترض شامل سه گروه بودند. تعدادی از آنها که در سال ۷۷ استخدام شده بودند و از طرف سازمان اخراج شده اند و بازگشت به کار آنان منوط به ارجاع و تصمیم گیری سازمان آموزش و پرورش کشور شده است. هم چنین تاریخ استخدام و چگونگی استخدام آنان، به صورت قراردادی یا رسمی، مشخص نشده است.

گروهی دیگر آموزشیارانی هستند که تعدادی از آنان دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس می باشند که رابطه کاری آنان با سازمان قطع شده است و بنا به اظهارات رئیس سازمان نهضت سواد آموزی، ایشان نمی توانند بر سر کار خود بازگردند. تنها شانس این دسته از معلمان برای بازگشت به کار، با شرط دارا بودن مدرک فوق دیپلم و یا لیسانس، تصویب مجلس و بعداً تأیید آموزش و پرورش می باشد! معلمین حق التدریسی اوایل هفته آینده به دفتر نمایندگان مجلس مراجعه کرده و به طرح خواست خود می پردازند و در صورت عدم نتیجه گیری، به راه های دیگر متوسل خواهند شد.

گروه دیگر کسانی هستند که سابقه سنوات خدمتی آنها در نهضت سواد آموزی به ۶۰ ماه نرسیده و به همین دلیل بازگشت به کار نخواهند شد و سازمان نهضت سواد آموزی کشور به آموزشیاران اعلام کرده که بازگشت به کار آنها با موافقت آموزش و پرورش و طبق ماده و بخشنامه داخلی سازمان انجام خواهد شد. آیا این کار امکان پذیر خواهد بود یا نه جوابی به آموزشیاران نداده اند.

دسته بندی کردن معلمان، طرح بهانه هایی هم چون قطع رابطه موقت

کاری معلمان با سازمان و سابقه ۶۰ ماه تدریس، به عنوان حربه هایی برای اخراج و چندپاره کردن حرکت حق به جانب آنان بکار می رود و آموزشیاران نسبت به این مسئله شدیداً معترض هستند.

گفتنی است حقوق معلمان حق التدریسی بسیار پایین بوده و اغلب در ماه به پنجاه هزار تومان می رسد. در حالی که اکثریت آنان دارای تحصیلات عالی می باشند

### فضای اعتراض در شرکت بحر گسترش مجتمع کشتی سازی و صنایع فرا ساحل ایران

روز پنجشنبه ۲۹ مرداد قرار بود که احمدی نژاد به بندرعباس برود تا کشتی موسوم به ایران- اراک را به آب بیندازد. و گفته شده بود که او مسیر را با هی گویترا طی خواهد کرد. کارگران شرکت بحر گسترش مجتمع کشتی سازی و صنایع فرا ساحل ایران از فرصت استفاده کرده و خواستهای خود را به پیش کشیده بودند. در مقابل کاره حفاظتی نیز به تقابل با کارگران برخاسته و از بیم اعتراض کارگران این روز را تعطیل اعلام داشتند. همچنین به کارگرانی که در خوابگاهها سکونت دارند، اخطار شده بود که با تلفن موبیل وارد مجتمع نشوند.

### جواد اسماعیلی آزاد شد

جواد اسماعیلی کارگر خباز و عضو سندیکای کارگران خباز سنندج که در ۱۶ مرداد ماه دستگیر شده بود آزاد شد. لازم به ذکر است که جواد اسماعیلی به مدت ۲۴ ساعت در اداره اطلاعات سنندج مورد بازجویی قرار گرفت و بعد از ۲۴ ساعت به قرنطینه زندان مرکزی سنندج انتقال داده شد. روز یکشنبه ۲۵ مرداد ماه با قرار وثیقه ۱۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. آزادی جواد اسماعیلی را به او و به خانواده اش و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگویم.

پیش بسوی تشکیل شوراها!

زنده باد شورا!

## هر گونه سرکوب و تهدید نهاد های مدنی محکوم است

در روزهای اخیر ما شاهد تلاش و حضور پرشور میلیونها زن، مرد، پیر و جوان، اقلیتهای ملی و مذهبی در ایران هستیم که از دولت میخواهند که پایه ترین حقوق اولیه شان را به رسمیت بشناسد یعنی بر رسمیت شناختن حق انتخاب آزاد، مستقل و بدون تقلب. حتی که در اکثر جوامع دنیا نه تنها به رسمیت شناخته شده بلکه برای حفظ آن از هیچ کوششی فروگذاری نمیشود.

در بطن چنین اوضاعی ما شاهد تهدید، دستگیری، کشتن و سرکوب ایرانی هستیم که بیم آن می رود تا

بر ابعادش افزوده شود و خون انسانهای بیگناهی ریخته شود که نتیجه آن اعتراضات بیشتر مردم است نه عقب نشینشان.

جامعه ایران با يك بحران عمیق سیاسی و اقتصادی روبرو است، اعتراضات میلیونی که گاهها" با سکوتی که سرشار از ناگفتنی ها است خود را نمایان کرده و به يك الگو تبدیل شده است و هر روز بر دامنه و ابعادش افزوده می شود، که در این میان عکس العمل هر نهاد و فرد مسئولی را میطلبد.

سندیکای کارگران شرکت واحد

در اطلاعیه ای که قبل از انتخابات ریاست جمهوری در اردیبهشت ماه انتشار یافته بود نوشت که "در نبود آزادی احزاب، بالطبع تشکل ما نیز از نهادی اجتماعی که حامیش باشد محروم است، حال آنکه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی دخالت گری و فعالیت سیاسی را حق مسلم تک تک افراد جامعه دانسته و برآن است که کارگران سراسر ایران در صورت ارائه منشور کارگری کاندیداهای ریاست جمهوری و دادن تضمین عملی به شعارهای انتخاباتی در این رابطه، می توانند در

انتخابات شرکت کنند یا نکنند". این موضوع که خواسته های اکثریت قریب به اتفاق جامعه ایران بسیار فراتر از خواسته های صنفی میباشد بر همگان روشن است و ما هم در سالهای گذشته بر آن تأکید کردیم که تا اصل آزادی تشکل و انتخاب بوجود نیاید صحبت از هر نوع آزادی اجتماعی و حقوق صنفی بیشتر شبیه طنز میباشد تا واقعیت. براساس این واقعیت سندیکای کارگران شرکت واحد خود را در کنار تمامی ایثارگرانی میدانند که برای ساختن نهاد مدنی آزاد و مستقل مبارزه میکنند و هر نوع سرکوب و تهدید را محکوم میکنند.

در راستای به رسمیت شناختن حقوق صنفی و اجتماعی در ایران نهادهای کارگری جهانی پنجم تیرماه روز جهانی حمایت از کارگران زندانی و نهاد صنفی ایران اعلام شده است، ما از همه میخواهیم که این روز را فراتر از خواسته های صنفی بشمار بیاورند و این روز را تبدیل کنیم به روز حقوق بشر انسانی در ایران و از همقطاران خود بخواهیم در این روز در سراسر دنیا برای حقوق پایمال شده اکثر مردم ایران حرکت کنند.

با آرزوی گسترش عدالت و آزادی سندیکای کارگران شرکت واحد  
خرداد ۱۳۸۸

## پیام اتحادیه آزاد کارگران ایران خطاب به کارگران ایران

کارگران و زحمت کشان! پرچم مطالبات انسانی خود را به اهتزاز درآوریم!

۴۸ روز از سرکوب و دستگیری تجمع کارگران در پارک لاله به مناسبت روز جهانی کارگر در ۱۱ اردیبهشت - اول ماه مه - می گذرد. در این مدت اتفاقات مهمی رخ داده و باعث تحولات وسیع و شکست انگیزی در جنبش اجتماعی کشور شده است. کاندیداهای ریاست جمهوری در جریان مناظره های تلویزیونی همدیگر را به نقض حقوق شهروندان، اختلاس، دزدی، سوء مدیریت و ناکارآمدی متهم می کردند. اما هیچ يك به قوانینی که این مصائب را بر اکثریت جامعه روا داشته است مخالفتی نکردند، هیچکدام به قانونی که حق اعتصاب را از کارگر سلب کرده، حقوق او را چهار برابر زیر خط فقر مشروع می داند، حق تشکل را از او گرفته، اجزای دسته جمعی و قراردادهای سفید امضاء و موقت يك ماهه بر او تحمیل کرده اعتراضی نداشتند، نسبت به آزادیهای بیان، پوشش و دهها و صدها موارد غیر انسانی دیگر که امروز بر جامعه حاکم است

کارگری مستقل از دولت

سخنی به میان نیاوردند و اگر هم به مواردی به طور خیلی سطحی ای اشاره ای شد هر يك فقط برای تبرئه خود دیگری را محاکمه می کرد گویا رقیبش بیشتر از خودش سختگیری کرده است. در همه آن مناظرات آشکارا و رود رو، خود کاندیداها ثابت کردند که همه قوانین و شرایط موجود را قبول دارند و تنها جدالشان بر سر بودن قدرت از رقیب است.

بنابراین ما کارگران در این شرایط که اعتراضات اجتماعی به شکل يك جنبش توده ای و عظیم برای طرح و رسیدن به مطالبات خود به میدان آمده است، حق خود می دانیم که طومار مطالبات طبقاتیمان را به شرح زیر به پرچم خود تبدیل کرده و به اهتزاز درآوریم.

۱- افزایش فوری حداقل دستمزد به بیشتر از يك میلیون تومان در ماه  
۲- برچیده شدن قراردادهای موقت کار و فرم های جدید قرارداد کار  
۳- انحلال خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به عنوان تشکیلات دولتی در کارخانه ها و کارگاه ها و برپایی شوراهای سایر تشکلات

۲۸ خرداد ۸۸

## سندی دیگر از جنایت رژیم اسلامی

### علیه کارگران



بنا به خبرهای منتشر شده روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ۸۸ نیروهای امنیتی حکومت در (شهرک کردستان) در سنجق قصد ربودن حسن مصطفائی یکی از چهرهای محبوب در میان کارگران را داشتند که به دفاع به موقع حسن مواجه شدند. مزدوران امنیتی رژیم نیز به طور وحشیانه ای او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. این عمل وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم بلافاصله مورد اعتراض جوانان و مردمی که در محل حضور داشتند قرار گرفت و توانستند حسن را از چنگال مزدوران رها ساخته و از محل دور کنند.

رژیم جمهوری اسلامی در طول حاکمیت اش، هر روز کارگران را به بهانه های مختلف مورد اذیت و آزار قرار داده است. روزی کارگران را به جرم شرکت در اول ماه مه به زندان و شلاق محکوم می کند و روزی آنها را به دلایل واهی دیگری مورد ضرب و شتم قرار می دهد. اقدام به ربودن و ضرب و شتم حسن مصطفائی توسط مزدوران رژیم در سنجق، در ادامه سیاستهای ضد کارگری و حکم شلاق و زندان برای سه نفر دیگر از فعالین کارگری این

شهر است. جمهوری اسلامی در حالی دست به این جنایات میزند که جنبش انقلابی مردم در ابعاد وسیعی رعشه مرگ بر تنش انداخته است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این عمل وحشیانه رژیم اسلامی را بشدت محکوم می کند و از همه تشکلهای کارگری در سراسر کشور و همه انسانهای آزادخواه و برابری طلب می خواهد که علیه این اعمال ضد کارگری و ضد انسانی رژیم جمهوری اسلامی بطور متحدانه و متشکل اعتراض کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد حکومت کارگری  
کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری

۲۰ اوت ۲۰۰۹ - ۲۹ مرداد ۸۸

## نیروهای سرکوبگر رژیم باید از کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراج شوند

## اعتراض کارگران شرکت واگن پارس به دستمزدهای معوقه

به گزارش سایت دولتی ایلنا روز دوم شهریور ۱۷۰۰ کارگر شرکت واگن پارس اراک برای ششمین بار در طول ۴ ماهه اخیر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد ماهیانه خود با سر دادن شعار در مقابل در ورودی شرکت تحصن کرده و از مسوولان استان خواستند که جوابگویی آنها شوند. بنا به گزارشهای منتشر شده کارفرمای این شرکت مطالبات کارگران را به صورت درصدی و فقط برای ساکت کردن موقتی پرداخت می کند و کارگران در طول ۵ ماهه اول سال جاری تنها در سه مرحله مجموعاً ۵۰۰ هزار تومان، در مقابل شیفت کاری روزانه و اضافه کاری دریافت کرده اند. این درحالیست که مسوولان استان نیز در جریان موضوع هستند. در این حرکت اعتراضی کارگران علاوه بر دستمزدهای معوقه خود به نحوه پرداخت سنوات بازنشستگان بوده و خواهان پرداخت مابه التفاوت

## جلسه رسیدگی به پرونده اخراج کارگران فرش غرب در اداره کار کرمانشاه

بنا بر گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران روز شنبه یازدهم مرداد دومین جلسه هیئت حل اختلاف (هیئت هم عرض) اداره کار کرمانشاه برای رسیدگی به وضعیت کارگران کارخانه فرش غرب بافت تشکیل شد. در این روز کارگران فرش غرب بافت به همراه تعدادی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در اداره کار کرمانشاه حضور پیدا کرده بودند و نماینده آنان به همراه وکیل کارگران آقای دکتر خلیل بهرامی در جلسه هیئت حل اختلاف شرکت کردند. در پایان این جلسه به کارگران فرش غرب بافت اعلام شد ظرف مدت ۲۰ روز آینده هیئت حل اختلاف رای خود را صادر و آنرا به اداره کار سنندج ابلاغ خواهد کرد.

کسری خدمت برای تسریع در بازنشستگی ۳۵۰ پرسنل آماده بازنشستگی و بررسی وضعیت ۲۰۰ کارگری که به بهانه مرخصی های ساعتی و به هم خوردن توالی در قانون کارهای سخت و زیان آور از لیست بازنشستگی حذف شدند. اکنون دو سال است که کارگران پارس واگن با مشکل دستمزدهای معوقه روبرو هستند و همواره برای آن تجمعات اعتراضی برپا کرده اند. از جمله هفته گذشته کارگران این شرکت مراسم بازدید وزیر راه و ترابری از کارخانه را که به همراه استاندار و جمعی از مدیران استان به آنجا آمده بودند را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. در حرکت اعتراضی دی گری در مرداد ماه کارگران شرکت واگن پارس سالن غذاخوری این کارخانه را به صحنه اعتراض تند خود تبدیل کردند. کارخانه واگن پارس که در زمینه تولید واگن های راه آهن و مترو فعالیت دارد و زمانی ضمن

بنا به خبری از سایت خبری دولتی ایلنا صبح روز ۲۲ تیر کارگران اخراجی انتشارات امیرکبیر در اعتراض به مطالبات پرداخت نشده دو سال قبل خود در مقابل سازمان تبلیغات اسلامی تجمع کردند.

## تجمع اعتراضی کارگران چینی البرز

روز ۳ شهریور ۱۹۴۱ کارگر چینی البرز که صد نفر از آن کارگر زن هستند در اعتراض به ۳ ماه دستمزد معوقه و عدم دریافت عیدی و پاداش خود در مقابل استانداری شهر قزوین دست به تجمع زدند. شرکت چینی البرز با دست به تجمع زده اند. به گفته

بنا به خبری از سایت خبری دولتی ایلنا صبح روز ۲۲ تیر کارگران اخراجی انتشارات امیرکبیر در اعتراض به مطالبات پرداخت نشده دو سال قبل خود در مقابل سازمان تبلیغات اسلامی تجمع کردند. طبق این گزارش ۲ سال پیش در پی تغییر مدیریت انتشارات امیرکبیر، شرکت ندا، عامل توزیع کتابهای این موسسه انتشاراتی منحل و تمامی ۴۰ کارگر آن اخراج شدند. اخراج شدگان که از ۴ تا ۱۵

بنا به خبری از سایت خبری دولتی ایلنا صبح روز ۲۲ تیر کارگران اخراجی انتشارات امیرکبیر در اعتراض به مطالبات پرداخت نشده دو سال قبل خود در مقابل سازمان تبلیغات اسلامی تجمع کردند.

## تجمع اعتراضی کارگران نساجی سیمین اصفهان

بنا به اخباری که روز ۱۲ مردادماه منتشر شده است، کارگران کارخانه نساجی سیمین اصفهان در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه دستمزد، در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. یکی از کارگران در این تجمع گفته است که کارخانه سیمین اصفهان در حال نیمه تعطیل است و حدود ۴۰ درصد کارگران سر کار هستند و ۶۰ درصد بقیه بیکار شده اند. او همچنین گفته است همین کارگرانی هم که فعلاً شاغل هستند سر کار می روند اما حقوقی دریافت نمی کنند. بخشی از این کارگران آخرین حقوق خود را در بهمن ۸۷ دریافت کرده اند که

همزمان شدن اعتراضات کارگری احتمالی در این دو کارخانه با دیگر کارخانه های ورشکسته جلوگیری کند.

## کارگران اخراجی امیرکبیر مقابل سازمان تبلیغات تجمع کردند

سال در این شرکت دارای سابقه کار هستند. از ۲ سال پیش تاکنون برای دریافت مطالبات خود بارها به موسسه انتشارات امیرکبیر مراجعه کرده اند که تمامی آنها بی نتیجه بوده است.

کارگران علی رغم اینکه این شرکت همواره تولیداتش تداوم داشته و حتی نسبت به قبل حدود ۷۰ درصد افزایش داشته است و کالاهای تولیدی آن به کشورهای عراق، ترکیه، آذربایجان، و غیره صادر شده است. اما دستمزد کارگران مرتباً با تاخیر پرداخت میشود. اعتراض کارگران چینی البرز ادامه دارد.

**کارگر کمونیست را تکثیر کنید**

**و آنرا بدست دوستان و آشنایان برسانید!**

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## پیام همبستگی کارگران ایران با اقدام جهانی اتحادیه های کارگری (۲۶ ژوئن)

<p>سندج - کارگران شرکت فرش غرب کرمانشاه - جمعی از کارگران کارخانه صنایع فلزی شماره ۲ - جمعی از کارگران لاستیک البرز - جمعی از کارگران شهرستان مریوان - جمعی از کارگران و فعالین شهر کامیاران - جمعی از کارگران و فعالین شهر مشهد - کارگران شرکت کارگلاس تهران - کارگران براق آلات قم</p>	<p>- کارگران کارخانه پریس سنندج - کارگران کارخانه بافندگی شین بافت سنندج - کارگران کارخانجات شاهو - کارگران نساجی کردستان - کارگران فرش غرب بافت - کارگران آجر شیل - کارگران شیرپاک آرا - کارگران گونی بافی سما - کارگران آرد فجر - کارگران نپرو رخس - کارگران بخش خدماتی بیمارستان توحید سنندج - جمعی از بازنشستگان شهرستان</p>	<p>جهان و یکایک اعضای این اتحادیه ها می کنیم . زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر چهارم تیرماه ۱۳۸۸ - سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اتحادیه آزاد کارگران ایران - کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری - انجمن صنفی برق و فلزکار کرمانشاه - جمعی از کارگران نساجی خامنه</p>	<p>و بی تردید نقش تاریخی در پیشبرد مبارزات کارگران ایران ایفا خواهد کرد و از سوی دیگر اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر را عمق و دامنه بیشتری خواهد بخشید . ما امضا کنندگان این بیانیه خود را دوشادوش و همراه این حرکت متحدانه جهانی می دانیم و از این طریق ضمن قدردانی عمیق از سازماندهی چنین اقدامی از سوی ITUC - ITF - IUF - EI دست سازماندهندگان این حرکت متحدانه جهانی را به گرمی می فشاریم و درود های گرم و بی پایان خود را نثار تمامی کارگران</p>	<p>چهار اتحادیه بزرگ بین المللی ( EI - IUF - ITF - ITUC ) روز ۲۶ ژوئن - پنجم تیرماه را به عنوان روز حمایت جهانی از حقوق پایه ای کارگران در ایران و مبارزات آنان اعلام کرده اند و قرار است در این روز اعضای این اتحادیه ها در سراسر جهان اقدام به حمایت عملی از مبارزات کارگران در ایران بنمایند . این همبستگی جهانی با کارگران در ایران یک اقدام تاریخی و بزرگ در مبارزه طبقه کارگر جهانی برای دستیابی به حقوق انسانی کارگران در ایران و سراسر جهان است</p>
--	--	---	---	---

## روز ۲۶ ژوئن به یک نمایش قدرتمند بین المللی علیه جمهوری اسلامی و دفاع از مبارزات کارگران و مردم ایران تبدیل شد!

دنبال فراخوان قبلی چهار کنفدراسیون جهانی کارگری که بیش از ۱۷۰ میلیون کارگر را در سراسر جهان نمایندگی می کنند، در روز ۲۶ ژوئن در ۲۹ کشور جهان اعتراضات با شکوهی در اعتراض به جمهوری اسلامی در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگری جمهوری اسلامی و یا در میداین شهر ها برگزار شد- در جریان ایران اعتراضات که با شرکت گسترده ایرانیان ساکن خارج همراه بود، دهها نماینده اتحادیه کارگری و همچنین نمایندگانی از سازمان عفو بین الملل به زبانهای مختلف دنیا با کارگران و مردم آزادیخواه ایران اعلام همبستگی کردند و اعلام داشتند که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی کنار مردم پسا خاسته ایران قرار دارند.

فراخوان روز ۲۶ ژوئن تحت عنوان "عدالت برای کارگران ایران" انجام شد و هدفش آزادی دستگیر شدگان اول مه و دفاع از حقوق پایه ای کارگران ایران بود. این برای چهارمین بار در سالهای اخیر است که اتحادیه های کارگری در جهان در

همبستگی با کارگران ایران و در اعتراض به جمهوری اسلامی به خیابانها می آیند. در اعتراضات روز ۲۶ ژوئن اتحادیه های کارگری از خیزش انقلابی مردم ایران و تلاش ها آنها برای دستیا بی به آزادی و عدالت حمایت کردند.

دو روز قبل از انجام این اعتراضات بین المللی رهبران چهار اتحادیه جهانی با ارسال يك نامه اعتراضی به خامنه ای نسبت به "واکنش بیرحمانه مقامات دولتی به بیان خواسته های مشروع مردم ایران" اعتراض کردند. دیوید کاکرافت، دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، اعلام کرد که "اتحادیه های صنفی روز جمعه به دولت ایران نشان خواهند داد تا چه اندازه در جهان بی اعتبار است و جهانیان درباره سرکوب ها و خشونت های صورت گرفته در ایران چگونه می اندیشند." رهبران چهار اتحادیه کارگری جهانی در نامه اعتراضی خود به خامنه ای بر این خواستها تاکید کردند:

۱- برسمیت شناختن حقوق کامل دموکراتیک برای مردم ایران شامل:

آزادی تشکل و تجمع  
۲- توقف هر گونه سرکوب خشونت آمیز  
۳- آزادی تمامی فعالین اتحادیه ای  
۴- به رسمیت شناختن تمامی تشکلات مستقل کارگری در ایران  
۵- احترام گذاشتن به حقوق حقه کارگران و قبول تمامی کنوانسیون های بنیادی آی.ال.او، مشخصا در زمینه آزادی تشکل و قرارداد دسته جمعی کار  
۶- توقف تمامی سرکوب های ضد اتحادیه ای و  
۷- بکارگیری مجدد کارگران اخراجی که ناعادلانه از کار بیکار شده اند.

در اعتراضات جهانی روز ۲۶ ژوئن همین خواستها از زبان نمایندگان اتحادیه های کارگری بازگو شد و سخنرانی های پر شوری در حمایت از کارگران و مردم ایران صورت گرفت- این اعتراضات در کشورهای انگلیس، کانادا، هلند، مراکش، فرانسه، فنلاند، اتریش، عراق، مازنی، مکزیک، نیجریه، آمریکا، دانمارک، ایتالیا، آلمان، سوئیس، ترکیه، اسپانیا، بلژیک، نیوزیلند،

### پژمان رحیمی و محمد اسماعیلوندی از فعالین کارگری در اهواز دستگیر شدند.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز ششمشنبه ۲۷ مرداد ماه ۱۳۸۸، پژمان رحیمی فعال کارگری، عضو انجمن سایه و عضو کمته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری همراه با محمد اسماعیلوندی از فعالین کارگری در اهواز دستگیر شدند.

## زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران!

## صدور حکم زندان و شلاق برای سه نفر از دستگیر شدگان اول مه با اعتراض گسترده خود به این گستاخی رژیم پاسخ دهیم

## سعید رستمی کارگر افغانی هنوز در زندان است

بلا تکلیف مانده است. تا کنون سه نامه از طرف سعید رستمی به دادگاه تحویل داده شده است. همچنین يك نامه به سفارت افغانستان و يك نامه از سفارت افغانستان به وزارت امور خارجه ایران و از آنجا به دادگاه تحویل گردیده است و هر بار قاضی یا بازپرس دادگاه شعبه ۲ امنیت وعده داده است که بزودی آزاد خواهد شد اما او هنوز در اسارت جمهوری اسلامی بسر میبرد. سعید رستمی باید فوراً از زندان آزاد شود.

در مراسم با شکوه اول مه، روز جهانی کارگر بیش از ۱۵۰ نفر در پارک لاله تهران دستگیر شدند. تحت فشار اعتراضات کارگران و بخش های مختلف جامعه و در جریان يك کمپین همبستگی بین المللی برای آزادی آنان از زندان، به تدریج همه دستگیر شدگان اول مه به جز سعید رستمی از زندان آزاد شدند. رژیم فاشیست جمهوری اسلامی سعید رستمی را به جرم داشتن شناسنامه افغان در زندان نگاه داشته است. سعید رستمی زیر پله نوروز خان بعنوان کارگر پخش مواد غذایی کار می کرد و اکنون در زندان اوین بند هفت سالن ۳ به صورت

کارگران دستگیر شده اول مه فرا میخواند. باید بساط این دادگاهها ارتجاعی و قوانین ارتجاعی قضایی جمهوری اسلامی را بر سرشان خراب کرد. باید این ماشین سرکوب و بیدادگایشان را در هم شکست. تنها با تجمعات اعتراضی گسترده است که نه تنها میتوانیم جمهوری اسلامی را از صدور چنین احکامی پشیمان کنیم و عقب برانیم بلکه خواهیم توانست درب زندانها را بگشاییم و همه زندانیان سیاسی را از زندان رها کنیم. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۱۸ مرداد ۸۸ - ۹ اوت ۲۰۰۹

امروز در شرایطی که خیزشی انقلابی در سراسر ایران در جریان است و مردم باز کردن درب زندانها را نشانه رفته اند. این اقدام گستاخانه رژیم بهای سنگینی برایش خواهد داشت. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی صدور این احکام قرون وسطایی و محاکمه کارگران بخاطر برپایی اول مه را بشدت محکوم میکند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی همه کارگران و همه انسانهای آزادیخواه بویزه مردم شهر سنجندج را به اعتراض گسترده علیه این احکام ارتجاعی و قرون وسطایی و صدور حکم زندان و شلاق برای

بنا به گزارش سایت اتحاد جمهوری اسلامی برای سه نفر از کارگران دستگیر شده اول مه به اسامی فایق کیخسروی، شیوار سبحانی و منصور کریمیان احکام زندان و شلاق صادر کرده است. دادگاه شعبه ۱۰۵ جزایی دادسرای عمومی سنندج هر يك از این کارگران را به جرم برپایی مراسم اول ماه مه به ۶ ماه زندان و ۴۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم کرده است. البته در متن حکم ۶ سال زندان این قابل تبدیل به سه سال حبس تعلیقی خوانده شده و همچنین شب بو خلیلی و بابک باجلانی دو بازداشت شده دیگر اول مه حکم تبرئه گرفته اند.

## ۶ نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای کشت و صنعت هفت تپه دادگاهی شدند

میگیرید. باید با ادامه اعتراضاتمان خواهان باطل شدن پرونده های تشکیل شده برای علی نجاتی و رضا رخشان و آزادی فوری همه دستگیر شدگان اخیر و زندانیان سیاسی شویم. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۲۸ مرداد ۸۸ - ۱۹ اوت ۲۰۰۹  
00447779898968

اخراج شده بود همچنان در جریان است. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی لغو پرونده محمد حیدری مهر، فریدون نیکوفر، نجات دهلی و جلیل احمدی را نتیجه مبارزات فشرده کارگران نیشکر هفت تپه دانسته و این موفقیت را به این عزیزان و به خانواده هایشان و نیز به کارگران نیشکر هفت تپه و همه انسانهای آزادیخواه تبریک

نظر اهواز گردید که با موافقت قاضی پرونده، جلسه رسیده گی به بعد از صدور حکم از سوی شعبه سیزدهم دادگاه تجدید نظر اهواز موکول شد. در این دادگاه اسامی محمد حیدری مهر، فریدون نیکوفر، نجات دهلی و جلیل احمدی با حکم برائت از این پرونده خارج گردید، اما پرونده رضا رخشان مسئول روابط عمومی و علی نجاتی رییس هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه که چندی پیش به همین جرم از کار

تحریک کارگران علیه سران نظام مورد محاکمه قرار دادند. در این دادگاه کارگران بر تشکیل سندیکا بعنوان حق خود تاکید داشتند و محمد اولیایی فر وکالت پرونده کارگران را برعهده داشت. او اتهامات وارده بر کارگران را بی اساس دانسته و به دلیل مشابهت بسیار اتهامات طرح شده در این پرونده با پرونده قبلی این کارگران، خواستار تجدید جلسه دادگاه پس از صدور رای از سوی دادگاه تجدید

ساعت ۹ صبح روز ۲۷ مرداد بار دیگر اعضای هیات مدیره سندیکای کارگری کشت و صنعت هفت تپه در شعبه دوم دادگاه انقلاب دزفول مورد محاکمه قرار گرفتند. جنایتکاران جمهوری اسلامی این کارگران را با اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام از طریق مصاحبه با رسانه های بیگانه، ارتباط با افراد معاند نظام، تشکیل سندیکای غیر قانونی (که در پرونده به عنوان تشکیلی غیر قانونی نام برده شد)،

<http://free-zندانisyasi.blogspot.com>

مدت با حمایت های خود روحیه دو چندانی به کارگران رسانده اند صمیمانه تشکر و قدردانی می کند و امیدواریم کلیه زندانیان کارگری و احکامهای غیر عادلانه نیز لغو شود. با امید به گسترش صلح و عدالت در همه گیتی

سندیکای کارگران شرکت واحد یکبار دیگر از تمامی افراد و نهادهای اجتماعی و کارگری ایرانی و بین المللی که با کمکهای معنوی آنان در طول این سالها در این راه ما را همیاری کردند سپاسگزاری میکنند. در انتها این تشکر مستق کارگری از کنفدراسیون جهانی کارگران آزاد (ITUC)، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) و همه نهادهای کارگری که در این

## احکام اخراج فعالین سندیکای واحد لغو شد

رسیدگی مجدد به هیئت هم عرض حل اختلاف در اداره کار ارسال نمود. سندیکای کارگران شرکت واحد این پیروزی را به کلیه کارگران تبریک گفته و ضمن سپاسگزاری، درود بیکران خود را به کلیه کارگران اخراجی که در این مدت صدمات جبران ناپذیری را متحمل شده اند می فرستد.

خودشان محروم شدند. در این سالها فعالین کارگری شرکت واحد دست در دست هم و با کمک همدیگر و همیاری دیگر نهادها این شرایط سخت را پشت سر گذارد. در تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۸۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با اکثریت قاطع کلیه احکام اخراج کارگران سندیکای را لغو کرده و پرونده های این کارگران را برای

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد همانظوری که کلیه نهادهای کارگری، حقوق بشری و عدالت خواه ایران و جهان در جریان هستند، از زمان بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، بسیاری از نمایندگان و فعالین این سندیکا از فعالیت کاری

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد

## ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
  - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
  - ۳- لغو مجازات اعدام
  - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
  - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
  - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
  - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
  - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
  - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
  - ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران- تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

آشکار به جان و زندگی کارگران و عامل قتل امید آلبوغبیش، بازرسی شرایط کار توسط نمایندگان منتخب خود کارگران و جلوگیری از موارد احتمالی دیگر که جان و زندگی این کارگران را به خطر بیندازد و متوقف کردن کار دستگاههایی که جان کارگران را تحت میزند، قرار گرفتن خانواده امید آلبوغبیش تحت پوشش تامین اجتماعی در حد يك زندگی انسانی

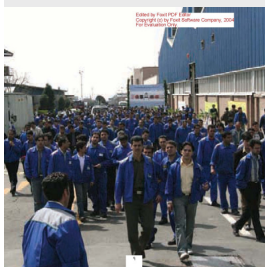
اولین خواستههای کارگران پتروشیمی رجال در ماهشهر است. باید با برگزاری مراسم در گرامیداشت یاد امید آلبوغبیش در کارخانه و تبدیل آن به محل اعتراض خود به شرایط جنایتبار کار در این پتروشیمی و طرح خواستههایمان و حمایت از خانواده امید آلبوغبیش صدای اعتراض خود را علیه این جنایت بلند کنیم.

تولیدی نبوده است. اکنون با اجرای این طرح برای کارگران مشکلاتی ایجاد

شده است. از جمله روزهای جمعه که در ماه هایی از سال که فصل برداشت نیست، کارگران قبلاتا ساعت ده در کارخانه حاضر بوده و سپس به منازل خود برمیگشتند اما اکنون مجبورند تا

## زنده باد سوسیالیسم

## کارگران ایران خودرو جاده کرج را مسدود کردند



برای تحقق خواست های بحق شان شکل دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ مرداد ۱۳۸۸، ۳ اوت ۲۰۰۹

از اعتراض کارگران ایران خودرو حمایت میکند و کلیه کارگران ایران خودرو را به اتحاد و یکپارچگی برای تحقق خواست های خود و جلوگیری از اخراج همکارانشان فرامیخواند. حزب سایر مراکز کارگری و مردم آزادیخواه را به همبستگی با کارگران و مبارزه آنها فرامیخواند. وقت آن است که بخش های مختلف مردم قاطعانه از مبارزات یکدیگر حمایت کنند و اتحاد مبارزاتی قدرتمندی را علیه حکومت اسلامی و بنا به خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است عصر روز ۱۲ مردادماه، تعدادی از کارگران ایران خودرو که با خطر اخراج مواجه هستند، جاده را بستند و درمورد خواستههای خود شعار دادند. از جزئیات این حرکت هنوز اطلاعی نداریم. لازم به توضیح است که بحران به ایران خودرو رسیده و خطر بیکاری تعداد زیادی از کارگران این مجموعه را تهدید میکند. حزب کمونیست کارگری قاطعانه

## کارکنان صنایع چوبی شاهرود با تجمع اعتراضی خیابان رجایی را بستند

از پیگیری این خسارت خودداری کرده و جوابگوی مردم و معترضین نیستند. سرانجام این تجمع با دخالت ماموران انتظامی و دستگیری سه تن از تجمع کنندگان در ساعت ۳ عصر پایان یافت. کارگران و کارکنان معترض این شرکت روز ۲۹ مرداد نیز مجدداً مقابل دفتر این شرکت واقع در خیابان رجایی شاهرود تجمع کردند

به گزارش آژانس خبر روز ۲۸ مرداد حدود ۶۰ کارگر صنایع چوبی پاییزان شاهرود در اعتراض به حقوق و مزایای معوقه خود با خوابیدن روی زمین، خیابان رجایی این شهر را برای دقایقی مسدود کردند. گفته میشود که مدیران این شرکت بعد از دریافت چند میلییارد تومان از مردم از طریق قرارداد سلف

## قربانی شدن یک کارگر در پتروشیمی رجال در ماهشهر

فردی بنام حاجی رجالی است که یکی از سرمایه داران با نفوذ شهر اصفهان است. سیاستهای شدت ضد کارگری این سرمایه دار در منطقه زیانزد خاص و عام است. او روابط و مناسبات حاکم در این پتروشیمی را بصورت پادگانهائی نظامی در آورده است و با وجود سودآوری بالای این شرکت برای رجالی و پسرانش، بدترین شرایط کار و استثمار بر آنجا حاکم است. و خبری از ایمنی محیط کار نیست. در سالهای قبل نیز این مجتمع قربانیهای دیگری داشته است. محاکمه صاحبان سود جوی این شرکت بخاطر بی توجهی

روز پنجشنبه ۵ شهریور ساعت نه و نیم صبح واحد تولید بخار ( بویلر ) پتروشیمی رجال واقع در منطقه ویژه اقتصادی بندر ماهشهر دچار انفجار شد و کارگر جوانی بنام امید آلبوغبیش که ۲۴ سال سن و دارای همسر و یک فرزند بود، بر اثر این انفجار درگذشت. کارگر کمونیست جان باختن این کارگر را به خانواده او، به کارگران پتروشیمی و کل مردم تسلیت میگوید. امید آلبوغبیش نیز قربانی سوداندوزی کارفرما و شرایط وحشیانه حاکم بر کارخانجات تحت حاکمیت رژیم اسلامی شد. علت انفجار نقص

## تحصن کارگران هفت تپه برای خواست افزایش حقوقها و دیگر مطالباتشان

شرح زیر است:  
۱- اجرا شدن طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش دستمزدها و حقوقها  
۲- حل مشکلات کارگران در نحوه و میزان پرداخت دستمزد اضافه کاری ها  
۳- اعتراض به زدن کارت ورود و خروج. این مساله روال عادی این واحد

کسی به شما رای داده و شما را انتخاب کرده که حالا میخواهید مداخله کنید، اجازه ی مداخله به آنها نداده و به این ترتیب دست آنها را از مبارزات خود کوتاه کردید. کارگران همچنین علیه مسئول کارت زنی شعار میدادند. خواسته های کارگران در این اعتراض به

روز جمعه ۱۶ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه برای خواست افزایش حقوقها و با طرح یکسری خواستههای دیگر در محل کارخانه دست به تحصن زدند. دراین حرکت اعتراضی هنگامی که نمایندگان شورای اسلامی خواستند دخالت کنند کارگران با گفتن اینکه چه